

## مجمع عمومی سازمان ملل مجدداً رژیم خمینی را محکوم کرد

و رژیم آپارتاید قرار گرفت. چه جایگاه شایسته ای برای موجوداتی که سرنوشتی جز پیوستن به زباله دان تاریخ نخواهند داشت!

داغ تنگ ابدی، این است پاسخ بشریت بر جنایات بی شمار رژیم ولایت فقیه. حکومت آخوندها، هر روز که می گذرد، بیشتر رسوا می شود. گزارش سال ۱۹۸۷ عقوبین الملل و گزارش نماینده ویژه سازمان ملل که اخیراً انتشار یافته اند، باردیگر جمهوری اسلامی را محکوم کرده اند. با افشای بازهم بیشتر جنایات رژیم، بر انزوا و رسوایی جمهوری اسلامی بیافزاییم! ❀

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، فراگیرترین گردهمایی نمایندگان کشورهای جهان، باردیگر رژیم خونخوار خمینی را به دلیل جنایات بی شمار و نقض ابتدایی ترین حقوق بشر، محکوم کرد. مجمع عمومی، نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی عمیق کرد. در قطعنامه مجمع عمومی، به گزارشها درباره شکنجه و پیاپیال شدن حقوق اولیه انسانها در جمهوری اسلامی اشاره شده است.

نام رژیم خمینی، باردیگر درکنار سایر رژیم های خونریز و رسوایی جهان، مانند رژیم پینوشه

# اکسپرت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) در خارج از کشور

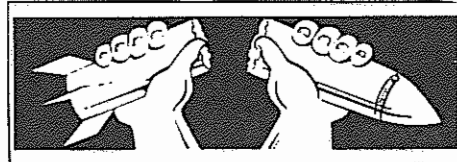
دوشنبه ۲۳ آذر ۱۳۶۶ برابر ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷  
بها. ۸۰ ربال - سال چهارم - شماره ۱۸۷

## معامله بر سر حق پناهندگی: "تجارت انسان"

فرانسه خود را "سرزمین پناهندگان" می نامد و نیز "مهد دمکراسی" و درجایی که دمکراسی بورژوازی بخواهد بر روی دیکتاتوری سرمایه، برده سائر بکشد، به خود دمها مدال و عنوان این چنین می دهد. اما فرانسه قبل از هر چیز، یک کشور امپریالیستی است و هر گاه منفعت بورژوازی امپریالیستی ایجاب کند آن مدارها را از سینه بازمی کشد و چرتکه ای را به جای آن می آویزد. این خصلت، تنها از آن بورژوازی فرانسه و دستگاه دولتی آن نیست. فرانسه نیز نمونه ای برای اثبات قاعده است.

دولت فرانسه برای تامین منفعت طبقه حاکم این کشور در میهن ما تاکنون به انواع و اقسام بندبازی ها، معامله گری ها و جتی ریسک ها متوسل شده است. فرانسه به خمینی پناه داد، بدان امید که فردای انقلاب جای پای مسمکی در ایران داشته باشد. اما فرانسه نمی خواست بازار اسلحه خرا را نیز از دست بدهد. این بازار، بازار نقدی بود. روابط با خمینی به تدریج تیره شد و فرانسه کوشید بازی را تکرار کند. اما بازی دوم نیز بردی از بی نیامورد. کوشش شد جلوی زرنک بازی هایی که با ریسک نوامند گرفته شود. مناسبات با جمهوری اسلامی بهبود یافت و رهبری مجاهدین خلق از فرانسه رانده شد. اما همچنان توازن در مناسبات با عراق و جمهوری اسلامی برقرار نماند. دولت فرانسه باز سود و زیانهای مختلف را در کفه ترازو نهاد. اوضاع به نفع مناسبات با رژیم فقها پیش شرفت. روند تازه در مناسبات آمریکا و

بقیه در صفحه ۲



## نخستین گام به سوی خلع سلاح هسته ای

- \* دیدار میخائیل گارباچف از واشنگتن پایان یافت
- \* طرفین، اجلاس سران در واشنگتن را موفقیت آمیز خواندند
- \* با امضای قرارداد برچیدن موشکهای میان برد، برای نخستین بار در تاریخ، نوع معینی از تسلیحات از میان برداشته می شود



لحظه ای تاریخی: میخائیل گارباچف و رونالد ریگان قرارداد برچیدن موشکهای دارای برد ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر را امضا می کنند.

در صفحه ۶

## معامله گری:

## دیروز و حید گرجی را تروریست می دانستند، امروز پناهندگان را

اقدامات اخیر دولت فرانسه یاد می کنند. روزنامه ایندپیندنت به یک معامله تسلیحاتی بین فرانسه و جمهوری اسلامی اشاره کرد. مارتگارت تاچر، نخست وزیر انگلیس نیز از دولت فرانسه به خاطر تحویل وحید گرجی تروریست به جمهوری اسلامی انتقاد کرده است. دور اخیر تیرگی روابط انگلستان با جمهوری اسلامی با تیرگی روابط پاریس و تهران همزمان بود. اکنون انگلستان از آن بیم دارد که فرانسه به دنبال بهبود روابطش با جمهوری اسلامی، پس از آلمان فدرال و ژاپن قرار گیرد و سهمی برای انگلستان باقی نماند.

معامله گری دولت شیراک با جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

یورش پلیس فرانسه به پناهندگان ایرانی در این کشور، نشان داد که معامله با جمهوری اسلامی تنها محدود به معاوضه وحید گرجی با ژان پل توری، کاردار سفارت فرانسه در تهران نمی شود. (تفضیل ماجرا در "اکتریت" هفته گذشته) دولت فرانسه در این معامله آنچنان سودی می بیند که به آزادی وحید گرجی و بازپرداخت بخش دیگری از طلب ایران از انحصار "اورودیف" (۲۲۰ میلیون دلار) بسنده نکرد و برای خوش آمد جمهوری اسلامی عده ای از پناهندگان ایرانی وابسته به سازمان مجاهدین خلق را را دستگیر و متعاقب آن ۱۴ نفر از آنان را همراه با ۴ پناهنده ترک از فرانسه اخراج کرد.

روزنامه های انگلیس با لحن خشمگینانه ای از

## ماجرای

## "وصیتنامه سیاسی الهی"، خمینی

روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه، خمینی همه دست اندرکاران و مسئولین تراز نخست مملکتی را به بارگاه خود فراخواند تا مقدمات "فنی" جایگزین کردن نسخه تجدید نظر شده "وصیتنامه سیاسی الهی" را بجای نسخه قبلی آن تدارک ببینند. مسئولین و دست اندرکاران فراخوانده شده، بنا به خبر رسمی رادیوی دولتی و بنا به تقدم و تاخر رسا اعلام شده عبارت بودند از: منتظری، مشکینی، مهدوی کنی، صافی دبیر شورای نگهبان، سیدعلی خامنه ای رئیس جمهور، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، موسوی اردبیلی ریاست دیوانعالی کشور، موسوی خوئینی ها دادستان کل کشور، میرحسین موسوی نخست وزیر، کزوبی نماینده و سرپرست بنیاد شهید،

بقیه در صفحه ۲

## ماجرای "وصیتنامه سیاسی الهی"، خمینی

بقیه از صفحه اول

سید احمد خمینی چندتن از "اعضای دفتر امام" نیز در جلسه حضور داشتند.

اهمیت موضوع نه در صرف نوشتن وصیتنامه، که در تجدید نظر در وصیتنامه نخست بود که پنجسال پیش از سوی خمینی "سر بسته" تحویل مسئولین شده بود. پنجسال پیش خمینی اولین "وصیتنامه سیاسی و الهی" خود را در دو نسخه مهر و موم شده در اختیار دست اندرکاران نهاده بود که یک نسخه آن در صندوق ویژه آستان قدس رضوی "نگهبانی" می شد و نسخه دیگر که به لحاظ حقوقی در اختیار مجلس خبرگان بود، بنا به "دلایل فنی" در صندوق مجلس شورای اسلامی به امانت نگهداری می گشت.

موضوع اینکه از این قرار بود که وصیتنامه سیاسی الهی نخست از درجه "اعتبار" ساقط شده بود و می بایست توسط "معمدین مملکتی" بازگردانیده می شد و نسخه تجدید نظر شده که توسط خمینی با عنوان "وصیتنامه سیاسی الهی" نامیده شد، توسط معمدین به جای وصیتنامه "ساقط اعتبار" در صندوقهای پیش بینی شده، نگهداری که نه، نگهبانی شود و درست در همین راستا بود که فراخوان صادر شد و مسئولین تراز نخست مملکتی در بارگاه، به حضور خمینی رسیدند.

موضوع بنا به دودلیل و در واقع در دو عرصه مورد توجه بود، نخست از زاویه توجیه تجدید نظر در وصیتنامه نخست و دوم سمت و سوی تجدید نظر، و اینکه تجدید نظر صورت گرفته در جنگ تمام عیار قدرت درون حکومتی کفه ترازو را به سود کوه زیان که تغییر خواهد داد.

در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی و در شرایط وجود یک جنگ تمام عیار قدرت هیچ فردی از وابستگان بارگاه خمینی در نظر حریف قابل اعتماد نمی نماید، بدین قرار توافق بر سر ترکیبی از معمدین مملکتی بود که فاصله چهاران تا مشهد یا مجلس را بدون خیانت در امانت، طی کنند مبادا از وصیتنامه و مضمون تجدید نظر بطور پیش رس فاش شود.

خمینی در جمع روز پنجشنبه مسئولین مملکتی که از "صدای جمهوری اسلامی" پخش شد، تجدید نظر در وصیتنامه سیاسی الهی نخست را معلول "ضرورتهای زمان" معرفی کرد ولی از توضیح پیرامون این ضرورتهای زمان و مضمون "تجدید نظر" سرباز

و مسائل مهم مملکتی در دستور کار آنها بوده است.

بدین ترتیب بموازات رشد و گسترش جنگ درون حکومتی و "تغییرات جو"، وصیتنامه نخست مورد تجدید نظر قرار گرفت و تا آنجا که خمینی هم بدان اعتراف داشت و درست بواسطه اینکه دلیلی بر توقف زمان و یابثبات جو در بین نیست پایه پای تغییرات جو، احتمال تجدید نظرهای بعدی نیز منتفی نیست. جنگ قدرت دربارگاه قدرت خمینی حتی همین هنگام که خمینی در "قید" حیات است، شعله می کشد. آتش جنگ قدرت، قبل از آنکه فردا، که زمان یا مردم، خمینی را از این "قید" خلاص کنند، از همین اینک به کوره خشم مردم فروزانی می بخشد.



## خود افساگری دستجات حکومتی

و حال آنها به قرار زیر است:

۱ - مخالفت صریح با دولت حضرت امام (کابینه موسوی) در مجلس و در همه جا ۲ - عدم رای به حرکت مورد تأیید حضرت امام ۳ - لودادن اسرار اقتصادی کشور ۴ - دادن سؤالات خاصی که عتاب صریح حضرت امام را به دنبال داشت ۵ - نوشتن مقالات متعددی در شرایط جنگی جامعه مبنی بر "تقلیل قیمت نفت نویدی بر مرگ دولت سالاری" ۶ - نوشتن مقالات متعدد و بی محتوایی مبنی بر "مقابله با نرخ گزاری و تعزیرات حکومتی از طرف خمینی".

غفاری در پایان سخنان خود برای آنکه به حمایت از مهدی هاشمی و جریان وابسته به وی متمم نشود از وزارت اطلاعات بی گیری دقیق پرونده های مهدی هاشمی معدوم و سید احمد کاشانی واقار بر مظهر بقایی رادخواست کرد. لازم به ذکر است که بقایی چند هفته پیش در تهران در گذشت.

مشکینی پس از انجام وظیفه خطیر محوله طی سخنانی که از رادیوی دولتی پخش شد اظهار امیدواری کرد که عمر "امام" دوام یافته و باز هم وصیتنامه های خود را تجدید کنند و تجدید نظر در وصیتنامه های سیاسی الهی تا "ظهور امام زمان" ادامه یابد!

رادیوی جمهوری اسلامی همان روز اعلام کرد که مأموریت حمل و نقل وصیتنامه ها طبق نقشه تعیین شده در فراخوان و همایش دست اندرکاران تراز اول حکومتی با موفقیت به پایان رسیده است و نسخه های باطله وصیتنامه سیاسی الهی هم به سید احمد خمینی تحویل داده شده است. صدای جمهوری اسلامی همچنین اطلاع داد که خمینی و منتظری در همان روز، جلسه خصوصی داشته

هادی غفاری نماینده تهران در مجلس اسلامی، مفتحه گذشته طی سخنانی، با دامچیان نماینده جناح "رسالتی" ها در مجلس را از اعضای باندی خواند که وی قبلاً از آن یاد کرده بود. با دامچیان اوایل ماه جاری هنگام سخنرانی ضمن اشاره به اختلافات جناحهای حکومتی در چارچوب نظام اسلامی وحدت آنها علیه "کمونیسم بین المللی"، از وجود "عضو باند های مخفی" در مجلس یاد کرد و اعلام نمود که با این عده باید جدا از دیگر بیهای درون "خط امام" به شدت تسویه حساب کرد. وی گناه نمایندگان عضو باند های مخفی را "غیر قابل بخشایش" خواند.

هادی غفاری در پاسخ به تهدیدهای با دامچیان، اعلام کرد: اگر قرار باشد در این کشور باندی و اقلیتی پیدا شوند که نیاز به نصیحت داشته باشند، یقیناً کسان و باند هایی هستند که گوشه هایی از عملکرد گذشته

زد. مشکینی طی سخنانی که همان روز از رادیوی دولتی پخش شد اظهار داشت: "امروز در پنجمین سالگرد وصیتنامه سیاسی، امام ما را دعوت کردند و تجدید نظری در وصیتنامه نموده اند و طبیعی است که اختلاف زمان، تغییرات جو و تغییرات زمان باعث آن شود که حکمی در آن تجدید بشود. ایشان بعد از پنجسال تجدید نظر می فرمایند، این نشانه عظمت روح ایشان است که بعد از پنجسال تجدید نظر می فرمایند." اما مشکینی نیز به تکرار کلیاتی از قبیل "تغییرات زمان و جو" بسنده کرد و بر توضیح پیرامون تغییرات این "جو" لب فرو بست.

اما مسئله به قوت خود باقی ماند و آن اینکه وظیفه خطیر حمل وصیتنامه مبارکه را چه کسی و یا کسانی بر عهده گیرند و وصیتنامه از اعتبار ساقط شده را چگونه به نزد "امام" بازگردانند، که محتویات از چشمان کنجکاو در امان بمانند. موضوع تعیین معتمد که به دشواری کشید، خمینی اظهار داشت: "وصیتنامه سیاسی الهی، یکی اش به مجلس برد و یکی اش به مشهد. دو سه نفر را تعیین کنید که همراه این برن." مسئولین مملکتی توضیح دادند که وصیتنامه قبلی به لحاظ حقوقی در اختیار مجلس خبرگان بوده و تنها به "دلایل فنی" در صندوق مجلس شورای اسلامی نگهداری می شده است و خمینی در ادامه گفت: "مانطور که بوده، الان هم هست. منتهی این برد (وصیتنامه جدید) و آن بیاد (وصیتنامه قبلی)". هاشمی رفسنجانی طی سخنانی توصیه کرد که وصیتنامه تجدید نظر شده باید پلمب بشود پس از واقع شدن بحثی بر سر معائن پلمب کردن و قایده آن بین خمینی و رفسنجانی، خمینی اظهار داشت: "همین کار را بکنید (پلمب بکنید)... در حضور من پلمب بکنید بعد برید مجلس... پلمب بشد که می خواهد مشهد برده، استان برده... آنرا هم باید بیارند (وصیتنامه نخست)".

پس از بحث فراوان، قرار بر این شد که نسخه پلمب شده و تجدید نظر شده وصیتنامه توسط مشکینی، رفسنجانی و صافی به مجلس برده شود و مهدوی کنی، توسلی و کروبلی هم نسخه همزاد را به آستان قدس رضوی حمل کرده و دو نسخه از اعتبار ساقط شده وصیتنامه سیاسی الهی توسط همین افراد به سید احمد خمینی تحویل گردند.

معامله گری:

## دیروز و حیدگرچی را تروریست می دانستند امروز پناهندگان ایرانی را

بقیه از صفحه اول

انگلیس با جمهوری اسلامی نیز میدان مانور را برای دولت فرانسه تنگ کرد. روابط مجدداً تیره شد. عوامل داخلی نیز ایجاب می کرد که شعار نظم شیراک با شعار مبارزه با تروریسم ترکیب گردد. این ترکیب، باز به نفع تیرگی مناسبات با جمهوری اسلامی عمل می کرد. اما تیرگی تا کجا؟ بورژوازی فرانسه باز حسابگری را از سر گرفت: دست کم باید از انگلیس جلوزد. مگر سود فروش اسلحه به عراق چقدر است؟ به علاوه فکر فردای جنگ را نیز باید کرد! روابط پنهانی با جمهوری اسلامی از سر گرفته شد. مانع "جنگ سفارتخانه ها" از طریق معامله گروگان با گروگان برطرف گردید و همه چیز برای عادی سازی مناسبات با رژیم فقها فراهم شد. در اینجا می بایست مجدداً حسن نیت فرانسه نسبت به جمهوری اسلامی از طریق یک "سناریوی ارزان" به نمایش گذاشته شود. بیورش به حق پناهندگی! بدین گونه فقها به اخلاص دولت فرانسه پی خواهند برد.

در هفته گذشته به پناهندگان ایرانی و نیز ترک حمله بردند. چند ده تن از پناهندگان ایرانی که وابسته به سازمان مجاهدین خلق بودند دستگیر شدند و ۱۲ تن از آن ها از فرانسه اخراج گردیدند. در اینجا دیگر نام بردن از فرانسه با عنوان "سرزمین پناهندگان" صرفه ای نداشت. صرفه،

لگدمال کردن حق پناهندگی بود. چه تجارت و قبیحانه ای! اخراج پناهنده برای معامله تسلیحاتی، برای بهیود مناسبات با رژیم بی تروریست و تروریست پرور! شعار مبارزه با تروریسم نیز به دست فراموشی سپرده شد. تا دیروز می گفتند وحیدگرچی تروریست، مخمل امنیت فرانسه بوده است و امروز آمدند و گفتند سو' تفاهمی رخ داده است، این نه وحیدگرچی و امثال او بلکه پناهندگان ایرانی هستند که در نظم جامعه فرانسه اختلال ایجاد کرده اند! از این معامله گری ها باز هم خواهند کرد چنانکه پیش از این نیز کردند.

نباید اجازه داد تجارت با انسانها صورت پذیرد. نباید اجازه داد حق پناهندگی مورد معامله قرار گیرد. باید با تمام قوا اقدام اخیر دولت فرانسه را افشا کرد. ساله تنها به فرانسه محدود نمی شود. اعمال فشار بر پناهندگان ایرانی، محدود کردن حق پناهندگی در همه کشورهای امپریالیستی همه و همه از طریق معامله گری دولتهای امپریالیستی قابل توضیح است. رژیم متحده انهای سازمانهای سیاسی و پناهندگان ایرانی قادر است این معامله گری ها را افشا کند و افکار عمومی جهانیان را مخاطب قرار دهد تا جلوی تجارت با انسانها گرفته شود. یک آن نیز نباید در انجام این وظیفه، درنگ کرد.

## معامله بر سر حق پناهندگی:

### "تجارت انسان"

بقیه از صفحه اول

را به این پناهندگان نسبت داد. دولت شیراک در اوج به دست آوردن دل رژیم خمینی به دولت عراق وعده فروش تعداد دیگری از هواپیماهای جنگی را داد. شیراک به صدام نامه نوشت و به وی توضیح داد که بهبود رابطه فرانسه با جمهوری اسلامی در روابط این کشور با عراق اختلالی ایجاد نخواهد کرد. فرانسه با این سیاست بر آن سراسر است که هم از قبل فروش اسلحه به خمینی و هم از قبل فروش اسلحه به صدام حسین، سود سرشاری را نصیب انحصارات اسلحه سازی فرانسوی سازد و در هر دو کشور جای پای مستحکم به دست آورد.

در خود این کشور نیز موجی از انتقاد به دنبال آورد. سازمانهای طرفدار حقوق بشر یورش پلیس فرانسه به پناهندگان ایرانی را مورد انتقاد قرار دادند و کمیسیاریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد خواستار توضیح دولت فرانسه در این زمینه شد. دولت فرانسه که پیش از این از وحیدگرچی به عنوان تروریست و مخمل امنیت ملی فرانسه نام برده بود، به دنبال تحویل این تروریست به رژیم خمینی، پناهندگان ایرانی دستگیر شده را مخمل امنیت فرانسه دانست و حتی وزیر کشور فرانسه تا جایی پیش رفت که عنوان شایسته وحیدگرچی و دیگر عوامل رژیم

### بازجویی از یک تروریست



اروپا، در آستانه ترک فرانسه بالاخره سری هم به دادگستری این کشور زد تا سناریو طبق "مقررات" پیش برده شود. کاریکاتوریست روزنامه لوموند، چاپ پاریس بازجویی از وحیدگرچی را به گونه بالاتوصیف کرده است

"جنگ سفارتخانه ها" بین تهران و پاریس آن هنگام آغاز شد که یک قاضی تحقیق فرانسوی وحیدگرچی کارمند سفارت خانه خمینی در فرانسه را برای یک بازجویی به دادگستری این کشور فراخواند. وحیدگرچی، از مسئولین شیشه تروریستی خمینی در

## اطلاعیه فدائیان خلق در فرانسه

خوشایند آن رژیم های جنایتکار نیست و آنها را به تهدید و تطمیع کشورهای میزبان پناهندگان وامی دارد. همه کشورهایی که به نام انسانیت و حقوق بشر معاهده ژنو را امضا کرده اند یکبار برای همیشه پذیرفته اند که علیرغم هر گونه فشار و شانتاژ این حق ابتدایی انسان قرن بیستم را برسمیت بشناسند و آثار تابع مصالح دور یا نزدیک این یا آن حکومت قرار ندهند به عبارت دیگر پناهندگان گروگان های دولت میزبان نیستند تا هرگاه که لازم شد مورد معامله این دولت ها قرار گیرند...

ما ضمن محکوم کردن اخراج ۱۴ نفر از مجاهدین خلق ایران و چند نفر از پناهندگان ترک و تهدیدی که علیه سایر پناهندگان و مهاجرین سیاسی بوجود آمده است از همه ایرانیان مترقی و نیروهای سیاسی ایرانی، بویژه از همه پناهندگان و نیز مردم مترقی فرانسه دعوت می کنیم که با اعتراض یکپارچه و هماهنگ خود علیه این معامله غیر انسانی و اجحافات مشابهی که در دستور کار فردا است اقدام کنند.

فدائیان خلق ایران (اکثريت) - فرانسه

۹ دسامبر ۱۹۸۷

به دنبال دستگیری و اخراج جمعی از مجاهدین خلق و تعدادی از پناهندگان ترک اطلاعیه ای از سوی فدائیان خلق (اکثريت) - فرانسه صادر شد که بخشی از آن به قرار زیر است:

خبر دستگیری تعدادی از هم میهنان پناهنده ما در فرانسه و اخراج عده ای از آنها به بهانه های وامی، همه ایرانیان و افکار مترقی فرانسه را در برابر این سؤال نگران کننده قرار داد که آیا حق پناهندگی می رود تا قربانی مصالح خاص حکومت فرانسه گردد... دیروز عوام فریبان گفتند که فعالیت سیاسی پناهندگان ایرانی بر علیه مصالح ملی فرانسه ما را به اینکار وامی دارد. این دروغ است و باید آثار افشاگر و یکصد او هماهنگ نشان داد که مخالفت پناهندگان با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی صرفاً با مصالح آزمندانه سرمایه داری فرانسه مبنایت دارد و نه با مصالح ملی مردم فرانسه. پذیرش پناهندگانی که قطعاً مخالف سیاسی دیکتاتوری کشورهای خود هستند

## ۱۰ هزار نفر از معلمان کشور

## باید به سپاه پاسداران منتقل شوند

بیش از ۱۰ هزار نفر از کارکنان وزارت آموزش و پرورش جهت رفع نیازهای نیروی انسانی سپاه پاسداران به عنوان مأموریت به این واحد انتقال می‌یابند.

مرتضی کتیرایی معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش با اعلام خبر فوق به خبرنگاران مطبوعات دولتی، جزئیات مأموریت فرهنگیان در سپاه را تشریح کرد. بنا به توضیحات کتیرایی، این عده به عنوان مربی آموزش نظامی در پادگانهای نظامی فنون رزمی را فرا می‌گیرند و در مراکز بسیج پاسداران مشغول به انجام وظیفه می‌شوند.

معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش در ادامه اظهارات خود توضیح داد که برای تأمین ۱۰ هزار فرهنگی مورد تقاضای سپاه، دستورالعمل تهیه شده و به ادارات تابعه در استانهای کشور ارسال گردیده است. طبق این دستورالعمل اداره کل آموزش و پرورش استان باید سهمیه خود را انتخاب و به مراکز اعلام شده اعزام کند و چنانچه از این طریق پرسنل مورد نیاز تأمین نشود، بقیه از میان فارغ التحصیلان مراکز تربیت معلم تأمین شود. کتیرایی به روسای ادارات کل آموزش و پرورش توصیه کرد که به جای معلمان اعزامی خود به سپاه از افراد حق‌التدریسی برای آموزش در مدارس استفاده کنند. وی توضیح داد که وزارت آموزش و پرورش کمبود ۷۰ هزار نفری سابق را چگونه باید برطرف کند.

شاهد نشان می‌دهد رژیم قبل از آنکه به تبدیل این معلمان به مربیان آموزش نظامی بپایانید، اعزام خود آنها به جبهه‌ها را در نظر دارد.

## پژ تبلیغاتی تازه جمهوری اسلامی در قبال جنگ

پایان دادن به جنگ ادامه دارد. در آغاز هفته گذشته طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق به نیویورک سفر کرد تا با خاورپرز و کوئینر دبیر کل سازمان ملل متحد دیدار و مذاکره کند. خاورپرز و کوئینر در هفته گذشته مذاکرات خود با دو رژیم ایران و عراق را پایان یافته اعلام کرد و گفت اکنون اتخاذ تصمیم نهایی بر عهده شورای امنیت است. وی در این مورد که مذاکراتش با نمایندگان جمهوری اسلامی و عراق چه نتایجی داشته است، توضیح نداد.

در حالیکه جمهوری اسلامی در ابتدا با لحنی منفی از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت یاد کرده بود، در حالیکه رژیم با بسیج جنگی تازه خود همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد و در حالیکه خامنه‌ای در آغاز هفته گذشته گفت رژیم در تلاش‌های سازمان ملل، شانس بسیار کمی برای برقراری صلح می‌بیند، توسل به یک پژ تبلیغاتی تازه در مجامع بین‌المللی از سوی رژیم، آشکارا جلب نظر می‌کند. لاریجانی فرستاده جمهوری اسلامی به نیویورک برای مذاکره با دبیر کل سازمان ملل، اخیراً اعلام کرده است: "ایران طرح دبیرکل به منظور اجرای قطعنامه ۵۹۸ را قبول کرده و در جهت دستیابی به این روند عمل می‌کند." مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری جمهوری اسلامی که در کیهان ۱۵ آذر درج شده است بر این پژ تبلیغاتی استوار است که این رژیم جمهوری اسلامی، بلکه عراق است که در راه اجرای قطعنامه ۵۹۸ سنگ اندازی میکند. گرفتن این پژ تبلیغاتی تازه حاکی از درماندگی رژیم است. رژیم اکنون می‌خواهد هم با واژه جنگ و هم صلح بازی کند، تا میدان مانور را بر خود نبندد. اما روندی که از آغاز تابستان امسال آغاز شده است در آستانه بروز دادن نتایج خود است و از همین روست که برای بازی تبلیغاتی تازه رژیم، عرصه تنگ و محدودی است.

در هفته گذشته ضمن تدوین تبلیغات جنگی رژیم حول "بسیج جانی و مالی" درگیری‌های پراکنده در جبهه‌ها و نیز در عرصه دریا ادامه داشت. رژیم مدعی شد دو جنگنده عراقی را سرنگون کرده است و جلوی تمرکز قوای عراق را در برخی نواحی جبهه گرفته است. رژیم همچنین به دونفکشی دانمارکی و سنکاپوری حمله برد. نفتکش سنکاپوری آتش گرفت و در جریان حمله به نفتکش دیگری یک ملوان دانمارکی کشته شد.

رویدادهای سیاسی هفته گذشته حول مسئله جنگ، حایز اهمیت بودند. گرومیکو صدراعظم شورایی اتحاد شوروی در ملاقات با سفیر جمهوری اسلامی در مسکو تاکید کرد که تهران باید یک راه حل سیاسی برای پایان دادن به جنگ را بیابد، در غیر این صورت در شورای امنیت مسئله مجازات جمهوری اسلامی به صورت تحریم تسلیحاتی مطرح خواهد شد. لیبی نیز بار دیگر خواهان پایان یافتن جنگ ایران و عراق شد. عبدالعلی العبدی یک دیپلمات لیبیایی در مصاحبه با روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی گفت: "اکنون زمان، زمان خاموش کردن آتش جنگ است نه جستجو برای یافتن برافروخته این آتش." به نوشته روزنامه مذکور، لیبی که در ماه سپتامبر گذشته روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سر گرفت، می‌کوشد بین دو رژیم خمینی و صدام حسین میانجی‌گری کند.

در هفته گذشته ملک حسین پادشاه اردن به عربستان سعودی سفر کرد. پیش از این او به عراق و مصر سفر کرده بود. یکی از هدفهای مذاکرات بین کشورهای مختلف عربی، تلاش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و مقابله جویی با جنگ طلبی رژیم خمینی است.

تلاش‌های سازمان ملل متحد نیز برای

## امضای قرارداد اقتصادی

## بین ایران و آلمان فدرال

"گرماد اشتولتن برگ" وزیر دارایی دولت فدرال آلمان فدرال به منظور امضای یادداشت تفاهم اقتصادی آلمان فدرال با ایران، به زودی به تهران سفر خواهد کرد.

مفاد یادداشت تفاهم هفته گذشته در جریان دیدار هیات اعزامی آلمان فدرال به ایران مورد توافق قرار گرفته است. این هیات به دعوت ایرانی وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی به تهران سفر کرده بود.

به گزارش روابط عمومی وزارت امور اقتصادی جمهوری اسلامی، برای تهیه یادداشت اقتصادی مذکور کمیته شش‌گانه‌ای در زمینه‌های بازرگانی و نفت، صنعت و معدن، اقتصاد و امور مالی، و... تشکیل گردید.

علاوه بر اشتولتن برگ، کنش وزیر امور خارجه این کشور نیز در سال میلادی آینده برای ملاقات با سران جمهوری اسلامی راهی تهران خواهد شد.

## انتشار آمار مربوط به شرکت‌های صنعتی کشاورزی و خدماتی

احداث شده در سال ۶۵ را تشکیل می‌دهد.

ارزیابی نسبت سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف و ثبت و انحلال شرکت‌ها روند فزاینده رکود ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی را نشان می‌دهد. طبق آمار بانک مرکزی، در سال ۶۵، میزان سرمایه در بخشهای خدمات، بازرگانی، بیمه و دولتی و موسسات اعتباری به میزان ۶۸۹/۸ درصد افزایش یافته است. در سال ۶۴ نیز رشد سرمایه در بخشهای یاد شده بوده و رقم ۹۰۹/۱ درصد را در بر داشته است. کل سرمایه‌ای که در سال ۶۵ توسط این بخشها به جریان افتاده، ۲۱۵۱۸ میلیون ریال بوده است. در همین سال، در بخش کشاورزی که در راه خودکفایی آن رژیم تبلیغات زیادی می‌کند فقط ۸۶۸۸ میلیون ریال جذب شده است.

طی دوره یاد شده، نه تنها اقدامی در جهت انتقال سرمایه‌گذاریها به بخشهای صنعتی صورت نگرفته، بلکه انحلال واحدهای موجود نیز تشدید شده است. در سال ۶۵، حدود ۲۹ درصد از شرکت‌های منحل شده متعلق به بخش صنعت بوده‌اند. در این سال، ۴۸۰ واحد صنعتی منحل شده‌اند. این رقم، ۹۴ واحد بیش از سال ۶۴ می‌باشد.

گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی در زمینه توسعه شرکت‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی طی سالهای ۶۴ و ۶۵، هفته گذشته در مطبوعات دولتی به چاپ رسید. این گزارش اگر چه با رعایت ملاحظات سیاسی انتشار یافته، با وجود این حاکی از رکورد شدید سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی و کشاورزی و گسترش بخش خدمات، بازرگانی و "شرکتهای دولتی" است. بر اساس گزارش اداره آمار اقتصادی، شرکت‌های خدماتی و بازرگانی در سال ۶۵ نسبت به سال ۶۴، بیش از ۴۶ درصد از میزان سرمایه‌گذاریهای خصوصی و دولتی و ۴۰ درصد از کل آمار بانک مرکزی نشانگر آن است که تعداد شرکت‌های احداث شده در بخش بازرگانی، رستوران‌داری، هتل‌داری و خدمات دولتی و اعتباری غیرتولیدی در سال ۶۴، ۲۸۸۴، و در سال ۶۵، ۳۳۵۷ واحد بوده است. بیش از ۴۰ درصد این واحدها متعلق به بخش خدمات و بازرگانی و ۲۷/۵ درصد از کل شرکت‌های احداث شده جزو بخش صنعتی بوده‌اند. در بخش کشاورزی نیز که از محورهای توسعه اقتصادی و پایه برنامه‌ریزی عمومی اعلام شده ۵۸۶ شرکت تأسیس گردیده که این رقم ۷/۱ درصد از مجموع واحدهای

## دور از میهن

### دستگیری مهاجرین ایرانی در مرز پاکستان

مردان، زنان و کودکان بودند، اطلاعاتی در دست نیست.

در گزارش داون آمده است: "منابع مطلع گفتند این دستگیری‌ها بخاطر حفظ امنیت شهروندان پاکستانی در مقابله با ورود بیگانگان به پاکستان صورت گرفته است!"

روزنامه "داون" چاپ پاکستان در شماره ۱۵ اکتبر خود گزارش داده است که نیروهای مرزی پاکستان ۱۴۲ ایرانی را که بدون گذرنامه و هر نوع مدرک مسافرتی وارد منطقه خاران در بلوچستان پاکستان شده بودند، دستگیر کردند. از سرنوشت این عده که شامل

### اقدام به خودسوزی یک پناهجوی ایرانی در کراچی

مرک نجات داده شد. او که از ناحیه پا آسیب دیده بود، به بیمارستان انتقال یافت و مورد معالجه قرار گرفت. پناهجوی مرزور ۲۵ سال دارد و از ده ماه پیش در پاکستان پسر می‌برد. شعبه امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی علیرغم تقاضای مکرر، از پذیرش وی به عنوان پناهنده خودداری کرده است. براساس همین گزارش، این حادثه به علت هراس از دستگیری به پلیس کراچی اطلاع داده نشد.

بنابه گزارش روزنامه انگلیسی زبان "داون" چاپ پاکستان مورخ ۴ آذر، در روز ۲۴ نوامبر (۲ آذر) در برابر ساختمان شعبه امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی، یک جوان ایرانی متقاضی پناهندگی در اعتراض به سیاست اداره کیساریای عالی پناهندگی مبنی بر عدم پذیرش وی به عنوان پناهنده با ریختن نفت به روی خود اقدام به خودسوزی نمود. وی قبل از آنکه آتش سراسر بدنش را دربرگیرد توسط دوستانش و سایر پناهندگان ایرانی حاضر در محل از

## آلمان فدرال:

### اعتصاب غذای پناهندگان سیاسی در هامبورگ



این اعتصاب مورد پشتیبانی احزاب، سازمانها و شخصیت‌های متعددی قرار گرفت که از آن جمله اند: حزب کمونیست آلمان، حزب سبزها، اتحادیه دانشجویان ترک، شیلیایی‌های مبارز، کمیته جنگ خلیج، کائون مهاجرین سیاسی، پترشوت نویسنده مترقی آلمانی و... بسیار از آلمانی‌ها نیز بطور انفرادی به جمع اعتصابگران آمده حمایت خود را از خواستهای آنان ابراز داشتند.

خبر این اعتصاب در روزنامه TAZ درج گردید و رادیو DDR به انجام مصاحبه‌ای با اعتصابیون مبادرت کرد.

تعداد ۱۹ نفر از پناهندگان سیاسی ساکن هامبورگ در اعتراض به روش دادگاههای رسیدگی به امور پناهندگان، از تاریخ ۲۶ نوامبر دست به یک اعتصاب غذای ۵ روزه زدند. در این اقدام اعتراضی، اعتصابگران خواهان اجرای خواستهای سه گانه زیر شدند:

- ۱- دوره انتظار برای تشکیل دادگاهها و مدت اعلام پاسخ به متقاضیان پناهندگی کوتاهتر گردد؛
- ۲- رد تقاضای پناهندگی به دلایل واهی متوقف گردد؛
- ۳- بخشی از پناهندگان ساکن ترکیه و پاکستان به خاک آلمان پذیرفته شوند.

## پرونده "بنیاد نبوت"، در اختیار ساواک قرار گرفت

شده است.

در ضمن برخی از جرائم نامبرده در ارتباط مستقیم با نهادها و دوایر مملکتی است. از آن جمله است. بند ۲: تخلفات: اجازه نصب تابلو تحت عنوان فروشگاه تعاونی بدین ترتیب که این مغازه‌ها تحت عنوان مذکور اجناس دولتی را از مراکز مربوط دریافت و بانرخ آزاد به فروش می‌رسانند. بنده تخلفات: سو استفاده از عنوان برخی از شخصیتها. بنده ۶: اخذ کالا و امکانات با قیمت دولتی بنام نهادها و برای ارسال به جیب و فروش آنها در بازار آزاد. بنده ۷: کارچاق‌کنی برای افراد فراری و صاحبان شرکتیایی که واحدهای آنها در شرف مصادره و یا دولتی شدن بوده است. بنده ۸: پرداخت رشوه به

پتیه از صفحه آخر که در بنیاد نبوت رقت و آمد می‌کردند و برخی که در هیات مدیره عضویت داشتند، ارتباط مستقیم دارد. تازه سیدعلی موسوی قمی مسئول بنیاد لورفته نبوت، خود در چارچوب کادر حکومتی، فرد بیگانه و خارجی بحساب نمی‌آید. دادستان عمومی تهران کارنامه عملکردی راجعین اعلام کرده است. "سیدعلی موسوی قمی بعد از انقلاب در شهرداری قم، استانداری، شهرداری و اداره کل مسکن و شهرسازی و بنیاد مستضعفان بندرعباس مسئولیت داشته و به آخته خود چون در آن جامورد تشویق واقع شده (و چرا که نشود؟) به تهران آمده و در بنیاد مستضعفان تهران به عنوان مشاور فنی و بعد در سازمان ملی کوپترسازی مشغول کار

به حساسیت موضوع توجه داشته و چون می‌دانسته است که این فحشا و هرزگی اگر جرم تلقی گردد، گریبان همه مسئولین مملکتی را خواهد گرفت.

در خصوص این بند می‌افزاید: "که این مورد در حال بررسی است. البته ایشان مواردی را به عنوان ازدواج موقت مطرح کرده که در صورت اثبات آن جرم تلقی نخواهد شد." و به همگان اطمینان می‌دهد که: "چرا که ما باید صیغه را که یک موضوع اسلامی و فقهی است قبول داشته و از بگیر و ببندهائی که در این زمینه وجود دارد دست برداریم."

دادستان عمومی تهران در ضمن فاش ساخت که بنیاد نبوت، همزادهای بسیاری دارد که در قالب امور خیریه در راه رضای خدا به فعالیت مشغولند. گمانی نیست که بنیاد نبوت، و مسئول آن، از فرزندان حلال جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند که تنها در دامان همین رژیم می‌توانند رشد و نمو کنند.

بعضی از افراد - نامشان افشا نشده است. بند ۱: احتکار کالاهای اساسی که از نهادها و مراکز مختلف اخذ کرده. بنده ۱۱: عدم پرداخت مالیات. بنده ۱۲: خریدن افرادی از رسانه‌های گروهی و رادیو برای تبلیغ ...

چنانکه مشهود است تمامی این موارد تخلف دوسو دارد که یک سوی آن مقامات مملکتی است و سوی دیگر آن اینک بهمین دلیل در "اختیار" وزارت اطلاعات (ساواک) قرار دارد تا آن سو، این سو را رسوا نکند.

نکته قابل توجه دیگر در پرونده نامبرده، بند ۱۲ تخلفات است. در بند ۱۲ تخلفات آمده است: "داشتن فساد اخلاقی". دادستان عمومی تهران البته

## نخستین گام به سوی خلع سلاح هسته‌ای

امکانات بیشتری برای حل مسائل مزبور به وجود خواهد آمد.

موفقیت هفته گذشته، آسان به دست نیامد. این توافق، حاصل تلاش و ابتکار رهبری اتحاد شوروی و سایر نیروهای صلح دوست در سراسر جهان است. دولت آمریکا با وادار شدن به برچیدن موشکهای میان برد تن نداد. تنها تحت فشار مبارزه پیکر جنبش صلح در کشورهای سرمایه‌داری بود که ریکان ناچار شد به ابتکارات پی در پی و پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی پاسخ دهد.

تازه در روابط اتحاد شوروی و آمریکا که برای صلح و امنیت جهانی دارای اهمیت تعیین کننده است، کشود. خلع سلاح هسته‌ای، نه تنها پیش شرط تضمین صلح جهانی، بلکه گامی برای حل مسائل جهان ما، از قبیل فقر، گرسنگی، بیکاری و عقب ماندگی اقتصادی کشورهای در حال رشد محسوب می‌شود. در صورت تداوم این روند، هزینه‌های سرسام آور نظامی کاهش خواهد یافت و

اینکه موشکهای میان برد تنها ۲ درصد تسلیحات هسته‌ای دو کشور را تشکیل می‌دهد، اما همه ناظران، این نخستین گام به سوی خلع سلاح هسته‌ای را دارای اهمیت تاریخی ارزیابی کردند. این توافق، راه را به سوی برچیدن انواع دیگر سلاحهای اتمی، و در وهله اول سلاحهای دوربرد (استراتژیک) می‌کشاید. اجلاس واشنگتن، مرحله‌ای

جهان در هفته گذشته به واشنگتن پایتخت ایالات متحده چشم دوخته بود. اجلاس سران اتحاد شوروی و آمریکا، این بار در واشنگتن برگزار شد. در این اجلاس تاریخی، قرارداد برچیدن موشکهای میان برد دو کشور (موشکهای هسته‌ای دارای برد ۵۰۰ تا ۵۵۰ کیلومتر) به امضا رسید. با اجرای این قرارداد، برای نخستین بار در تاریخ، نوع معینی از تسلیحات از میان برداشته می‌شود. با

## به سوی چهارمین دیدار مسکو

### فشرده‌ای از بیانیه مشترک پایانی دیدار واشنگتن

مذاکرات درباره کاهش سلاحهای تهاجمی استراتژیک را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در پیشروی به سمت انعقاد قراردادی برای تحقق کاهش این سلاحها به میزان ۵۰ درصد، گامهای مهمی برداشته شده است. در طرف توافق کردند که نمایندگان آنها در مذاکرات ژنو ماموریت یابند تدوین قراردادی درباره کاهش و محدود کردن سلاحهای تهاجمی استراتژیک و نیز همه اسناد مربوط بدان را در کمترین مدت ممکن به پایان برسانند، بگونه‌ای که این قرارداد بتواند در جریان ملاقات آتی رهبران دو کشور در نیمه اول سال ۱۹۸۸ به امضا رسد.

با توجه به تدارک قراردادی درباره سلاحهای تهاجمی استراتژیک، رهبران دو کشور هیاتهای نمایندگی دوطرف را در ژنو مامور کردند توافقی تدوین کنند. این توافق باید دو طرف را متعهد کند قرارداد سال ۱۹۷۲ در مورد منع سیستمهای ضد موشکی (آ. ب. ام) را به شکلی که امضا شده است، در پژوهشها، تولیدات و آزمایشهایی که قرارداد آ. ب. ام. مجاز شمرده است، رعایت کنند و در طول زمان مورد توافق، به قرارداد آ. ب. ام. همچنان پایبند بمانند.

دو طرف اعلام آمادگی کردند که یک منشور همه‌جانبه، موثر و قابل کنترل بین المللی درباره ممنوعیت و نابودی سلاحهای شیمیایی تدوین شود. دو رهبر اهمیت امر کاهش سطح رویارویی نظامی در اروپا در عرصه نیروهای مسلح و تسلیحات غیرهسته‌ای را مورد بررسی قرار دادند و خواهان پیگیری در صفاحه ۸

در پایان دیدار چهارروزه میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی از واشنگتن، بیانیه مشترکی از سوی طرفین انتشار یافت که بخشهایی از آن به قرار زیر است:

\*\*\*

هنگام دیدار رسمی میخائیل گارباچف از ایالات متحده آمریکا، دبیر کل کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش. و رئیس جمهوری ایالات متحده کل مجموعه مسائل روابط شوروی-آمریکا، شامل کاهش تسلیحات، حقوق بشر و امور انسانی، حل درگیریهای منطقه‌ای و نیز امور دو جانبه را بطور همه‌جانبه و اساسی مورد بررسی قرار دادند. مذاکرات، صریح و سازنده بود و هم اختلاف نظرهای موجود میان طرفین و هم درک از این امر را که این اختلافات مانعی بر طرف نشدن بر سر راه پیشرفت در عرصه‌های نامبرده و مورد علاقه مشترک نیست، بازتاب داد. دبیر کل و رئیس جمهور، بر اهمیت بنیادین دیدارهای خود در ژنو و ریکیاویک، که مبنای گامهای مشخص در روند بهبود ثبات استراتژیک و کاهش خطر ایجاد یک درگیری را فراهم آورد تاکید کردند. آنها همچنان از اعتقاد رسماً بیان شده خود مبنی بر اینکه جنگ هسته‌ای هرگز نباید درگیر و در چنین جنگی طرف پیروز نمی‌تواند وجود داشته باشد، پیروی خواهند کرد. آنها اعتقاد راسخ دارند که باید جلوی هر جنگ میان ا. ج. ا. ش. و ایالات متحده - چه هسته‌ای و چه غیر هسته‌ای - را گرفت. دو طرف بدنبال کسب برتری نظامی نخواهند بود. دبیر کل و رئیس جمهور، مسئله

## از مصاحبه مطبوعاتی میخائیل گارباچف

در پایان اجلاس سران واشنگتن، میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش. در یک کنفرانس مطبوعاتی به سوالات خبرنگاران در مورد نتایج اجلاس پاسخ گفت.

گارباچف اظهار داشت بیانیه مشترک شوروی-آمریکا، گستردگی و مضمون مذاکرات را نشان می‌دهد و بازتابی از میزان تفاهم و توافق متقابل در مسائل مختلف و اختلافات جدی موجود است. وی افزود با ریکان در تاکید دوباره بر اعلام رسمی اینکه یک جنگ هسته‌ای مرکز نباید صورت گیرد، و چنین جنگی هیچ ظرف پیروز نخواهد داشت و هیچ یک از دو کشور نباید در پی کسب برتری نظامی باشند، متفق القول بوده است.

رهبر شوروی گفت در اجلاس سران، مسئولیت ویژه قدرت‌های بزرگ در جستجوی راههای واقعی برای جلوگیری از رویارویی هسته‌ای و به سوی آینده‌ای مطمئن، بازتاب یافت. دو طرف توافق کردند که اختلافات موجود را به عنوان موانعی از میان نرفتنی قلمداد نکنند و بر عکس، آنها را انگیزه‌ای برای انجام فعالتر مذاکرات بدانند. گارباچف گفت رهبران دو کشور به این نتیجه رسیده‌اند که اتحاد شوروی و آمریکا در آستانه خروج از یک دوران طولانی رویارویی قرار دارند. رهبر شوروی این نتیجه‌گیری را به لحاظ سیاسی بسیار مهم ارزیابی کرد و آن را نشانه گذار به مرحله جدیدی از روابط دو کشور دانست.

دبیر کل ج. ک. ا. ش. گفت بیشتر وقت مذاکرات به مسئله کاهش رادیکال سلاحهای تهاجمی استراتژیک اختصاص یافت، زیرا این امر مسئله محوری روابط است. هدف، کاهش این سلاحها به نصف است. دو طرف به این نتیجه رسیدند که حل این مسئله ضروری است و باید تا وقتی امکان واقعی قطع روند انباشت زرادخانه‌های استراتژیک موجود است، انجام پذیرد. قرارداد مربوط بدین امر باید در جریان دیدار ریکان از مسکو در نیمه اول سال ۱۹۸۸ به امضا رسد. گارباچف گفت در این عرصه از مذاکرات، "ما به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای دست یافتیم."

گارباچف توضیحاتی نیز در مورد گفتگوها پیرامون رعایت قرارداد منع سیستمهای ضد موشکی (آ. ب. ام) که سال ۱۹۷۲ به امضا رسید اما مدت قانونی آن در شرف اتمام است، داد. دو طرف توافق کرده‌اند که در ژنو نمایندگان دو کشور قراردادی برای ادامه رعایت موافقت‌نامه آ. ب. ام تدوین کنند. در همین رابطه، گارباچف تاکید کرد اتحاد شوروی مخالف قاطع "ابتکار دفاعی استراتژیک" (جنگ ستارگان) است و دست به اجرای برنامه مشابهی نخواهد زد. رهبر شوروی، آمریکا را فراخواند همین برخورد را در پیش گیرد. گارباچف گفت اگر آمریکا اجرای "ابتکار دفاعی استراتژیک" را آغاز کند، مسئولیت عواقب آن را برعهده خواهد گرفت. ثبات استراتژیک، لطمه خواهد خورد. عرصه‌های جدید مسابقه تسلیحاتی با عواقب غیرقابل پیش‌بینی، گشوده خواهد شد. گارباچف گفت: "اگر آمریکایی‌ها زیاده‌تر از نیاز خود پول دارند، آن را صرف ابتکار دفاعی استراتژیک کنند. اتحاد شوروی در عرصه‌های دیگر، پاسخی جستجو خواهد کرد که صدار ارزان‌تر و شاید بازم ارزان‌تر باشد."

گارباچف اظهار داشت کشورش به روشنی اعلام داشته است که نمی‌خواهد در افغانستان یک رژیم طرفدار شوروی را برقرار کند، و طرف آمریکایی نیز باید به صراحت اعلام کند قصد ندارد یک رژیم طرفدار آمریکا در افغانستان برپا سازد. وی افزود تصمیم سیاسی برای خروج نیروهای شوروی از افغانستان گرفته شده و زمان آن هم اعلام شده است: ۱۲ ماه و یا حتی کمتر. گارباچف گفت همزمان با شروع خروج نیروهای شوروی، کمک نظامی و مالی به نیروهای ضد انقلابی باید قطع شود و ی خاطرنشان ساخت با ریکان توافق کرده است کار در این عرصه ادامه یابد.

## بت‌هون: از طریق مبارزه به سوی پیروزی!



همطراز آن است. به این مناسبت بخش‌هایی از یک مقاله درباره لودویگ وان بت‌هون، مندرج در کتاب "آشنایی با موسیقی" اثر کولرلسوا موسیقی شناس اتحاد شوروی را از نظر خوانندگان می‌گذاریم.

قصیده آزادی است، قصیده دعوت به حرکتی نوین است. "دوستان، بیایید تا نغمه دیگری سردهیم": این قصیده چنین آغاز می‌شود. ۱۷ دسامبر، دوستان و همدستان سالگرد تولد سراینده این نغمه جهانی و مجموعه درخشان دیگری از آثار

هر کشوری دارای یک سرود ملی است. اگر زمانی جهان بشری بخواهد نغمه‌ای برگزیند که آرمانها و آمال این جهان را درخود بازتاب دهد، بی‌گمان همه "قصیده شادی"، بخش کُرال سمفونی نهم بت‌هون را بر لب جاری خواهند کرد. قصیده شادی،

هفتم ماه مه سال ۱۸۲۴ در تاتر "کرتنر تور" وین، نخستین اجرای سمفونی نهم بت‌هون بروی صحنه می‌آید. آهنگساز در جایگاه رهبر ارکستر ایستاده بود و دستهای خویش را تکان می‌داد. او مدتها بود که بر اثر از دست دادن قوه شنوایی قادر به رهبری ارکستر نبود و در حقیقت رهبر دیگری که در دو قدمی بت‌هون قرار داشت ارکستر را هدایت می‌نمود. نهمین و آخرین سمفونی بت‌هون نقطه پایان کار خلافت وی بود. در این سمفونی او افکار و عقاید خویش را درباره حیات، درباره راههایی که در برابر بشریت قرار دارد تمام و کمال بیان کرد. او با این سمفونی نسلهای بعدی خویش را مورد خطاب قرار داده است. بهمین علت نمی‌توانست در روی صحنه ظاهر نشود، او خوشبختی را موظف می‌دانست که شخصا این اثر را به شنوندگان ارائه دهد.

مثل این بود که تمام تاریخ بشریت در برابر شنوندگان گسترده شده است. هنوز نیروهای سیاه تهدید می‌کنند. هنوز آسمان تیره و کدر است. اما صدای غرش طوفان آغاز شده است. انسانیت به نبرد برخاسته است و سپیده صبحدم می‌خواهد هر چه زودتر برسد. هنوز آفتاب دیده نمی‌شود ولی از افق فرا رسیدن آنرا می‌توان حدس زد. ابتدا انوار باریکی که ابرهای سربی رنگ را به عقب نشینی و امیدارند و سپس خط سرخ قومی که سراسر پهنای آسمان را فرا می‌گیرد طلوع خورشید را نوید می‌دهد. "از طریق مبارزه بسوی پیروزی"، اینست شعار زندگی و کار خلافتان بت‌هون! او معتقد است که برای پیروزی، تلاش و پیکار نهایت ضرورت را دارد. در سمفونی، فشار و سنگینی مبارزه مداوم جای خود را به تفکرات عمیق می‌سپارد. این افکار گاه نگران و گاه آرام و متمرکز، اما در هر حال جستجوگر و مشوق پیشروی هستند.

ماورای سانسور مجبور گردید که بجای "آزادی" کلمه "شادی" را بکار ببرد و بت‌هون از این مطلب آگاه بود. و من از صحت موضوع فوق کاملاً مطمئن هستم: زیرا شادی قابل تحصیل نیست. بلکه بخودی خود می‌آید. اما آزادی را باید بدست آورد... هنگامی که اجرای سمفونی نهم پایان یافت صدای کف زدن با جلدی بود که بنظر می‌رسید دیوارهای تئاتر می‌شکافند و فرو می‌ریزند. ولی این صداها بکوش بت‌هون نمی‌رسید و او در حالیکه سرخود را پائین افکنده بود پشت به جمعیت در جایگاه رهبر ارکستر ایستاده بود. "کارولینا اونگر" خواننده اپرا، دست بت‌هون را گرفت و روی او را بطرف جمعیتی که در تالار حضور داشت برگردانید. برای بت‌هون پنج بار کف زدند و قطع کردند و حال آنکه معمول بود برای امپراتور سه بار متوالی کف زده شود. برای اینکه نقض تشریفات که بصورت خطرناکی جلوه می‌نمود دوام نیابد، صاحب منصبان پلیس به جمعیت دستور دادند که متفرق شوند. بت‌هون در حالیکه خسته و کوفته شده بود بکمک دوستانش بخانه رسید. بیماری کار خود را کرده بود. بت‌هون دیگر قادر نبود سرپا بایستد. دوستانش او را روی کاناپه قرار دادند، او آرام دراز کشید و بدون اینکه تغییر حالت بدهد چشمان خود را بست. پاراناش بگمان اینکه او بخواب رفته است منزل وی را ترک گفتند.

شاید حقیقتاً نیز او بخواب رفته بود؟ اما چرا دیگر آن ژرفای بی‌پایان عالم ناشناخته و اشکال لجوج و هم و خیال دیگر وجود ندارند؟ و اکنون تصاویر روش و بسیار آشنا که همه جزئیات را دربردارند یکی پس از دیگری در برابر چشمان وی ظاهر می‌گردند. زندگی با رنگها و اصوات در برابر وی رژه می‌رفت. این زندگی وی بود... بت‌هون به سرنوشت مردم سخت

علاقه‌مند بود و این سرنوشت در میدان مبارزه معین و مشخص می‌گردد. مبارزه قهرمان بخاطر آزادی و سعادت انسانها مضمون سمفونی سوم بت‌هون را تشکیل می‌دهد. مبارزه‌ای سخت و مداوم. نیروهای دشمن گاه عقب می‌نشینند و گاه با ناامیدی مقاومت می‌ورزند و ضربات متقابلی وارد می‌سازند ولی قادر نیستند نیروهای را که بخاطر آزادی و عدالت می‌جنگند متوقف سازند. نبرد، بازم نبرد، پیکاری شدید و قطعی و سرانجام پیروزی! آخرین جرقه‌های نبرد خاموش می‌شود. موزیک غنی‌تر و شادتر می‌شود و ناگهان مارش عزا بدست آمده است. در پیکاری سخت و وحشتناک قهرمانی بهلاکت رسیده است. ولت فاتح، آخرین احترامات خود را نسبت به او ابراز می‌دارد. ولی بت‌هون با مراسم عزا سمفونی خود را به پایان نمی‌بخشد. زیرا رهبر ملی بخاطر آینده و بخاطر زندگی، جان باخته بود.

موسیقی بت‌هون زندگی مغلوب نشدنی و فناپذیر را ستایش می‌کند. قسمت‌های آخر سمفونی را تصاویری از یک جشن با شکوه ملی تشکیل می‌دهند. پیرومندی که در جریان نبرد، سعادت خویش را بکف آورده‌اند غوغا برپا می‌سازند. بت‌هون در ابتدا به سمفونی خود "پناپارت" نام داده بود. او تصور می‌کرد که ناپلئون قهرمان خلق انقلابی خواهد بود و مردم را بسوی آزادی پیش خواهد برد. هنگامیکه ناپلئون خود را امپراتور اعلام کرد، سمفونی بت‌هون تقریباً پایان یافته بود. و بت‌هون وقتی از این امر آگاه شد باخشم فریاد زد: "اکنون او همه حقوق انسانی را لگدمال خواهد ساخت و فقط از امیال خویش پیروی خواهد نمود. او خود را بالاتر از سایرین قرار می‌دهد و یک فرد مستبد می‌شود!" بت‌هون صفحه اول بقیه در صفحه بعد

## بتیهورن: از طریق مبارزه...

بقیه از صفحه قبل

سفونی را برداشت، پاره پاره کرد و بگوشه‌ای برت نمود آنگاه کاغذنت تمیزی برداشت و عنوان جدیدی روی آن نوشت: "سفونی قهرمانی". امپراتور نمی‌توانست قهرمان سفونی سوم بشود. قهرمان این سفونی ملت است. بتیهورن نه سفونی، پنج کنسرت برای پیانو با ارکستر، کنسرت ویولون اپرا، باله و اورتور و اورتور فانتزی آواز، و موسیقی مجلسی نوشت که در میان آنهایی بود سونات برای پیانو و جود دارد. تصنیفات بتیهورن را نمی‌توان به "کوچک" و "بزرگ" تقسیم کرد. زیرا تمام آثار او از یک فکر عمیق، روح عصیانگر، توانائی و نیرو و شجاعت برخوردارند و در کلیه آثار خویش با سخاوتمندی هر چه بیشتر، ندای قلب و افکار روشن خود را بکار می‌برد و مناسبات خویش را با زندگی آشکار می‌ساخت. سوناتهای بتیهورن که برای پیانو نوشته شده است می‌توان سفونی کوچک نامید. در این سوناتها غلیان و شوق انقلابی و دعوت به مبارزه خودنمایی می‌کند. فقط یک سطر از سونات "آپاسیونات" را بنوازید، تا مفهوم گفته‌های فوق بهتر بر شما آشکار شود. بتیهورن می‌گفت که در سونات "آپاسیونات" از اثر دراماتیک شکسپیر، "طوفان" الهام گرفته است. ولی این یک آهنگ باری متن داستان شکسپیر نیست، بلکه مبین ایپان انسانی است که قادر است سنترها را در هم بکوبد و راه رسیدن به سعادت را باز کند. کلمه "آپاسیونات" بزبان ایتالیایی یعنی شور و شوق و موسیقی، "آپاسیونات" بتیهورن در انسان شور و دلیری می‌آفریند. این سونات فوق العاده دوست داشتنی و یک موسیقی مافوق انسانی است.

در کنار سونات "آپاسیونات" سونات "مهتاب" قرار گرفته است که شهرت فراوانی دارد. در سونات، "مهتاب" احساسات و عواطف گوناگون انسانی پیچیده‌ترین وضعی بهم گره خورده است: تلخکامی، تنهایی، خاطراتی که گاه غم انگیز و زمانی شادی بخش هستند. مثل اینکه در این تلافی عواطف، شک و تردید، اعتقاد و ایمان، تفکر و احساس با هم در آمیخته و در این اثر بیکره واحدی را ایجاد کرده‌اند.

اعتقاد بتیهورن، به زندگی و آینده و اینکه سرانجام خیر بر شر غالب و پیروز می‌شود و افعا

اعجاب انگیز است. مشکل بتیهورن فردی ریافت که مانند بتیهورن زیر ضربات هولناک و سهمگین سرنوشت قرار گرفته باشد. برای آنکه بیزان تیره روزی بتیهورن بی ببریم و از رنج والی که وی متحمل شده است تصور و تجسمی داشته باشیم لازم است که آهنگسازی کر یانقاشی نابینا یادونده چلاقی را با وضعی که بتیهورن داشت مورد مقایسه قرار دهیم. ولی بتیهورن واقعا معجزه کرد. او در حالیکه قوه شنوایی را از دست داده بود، همچنان به خلق آثار موسیقی مبادرت می‌ورزید. او در وخیم ترین روزهای بیماری خویش در وصیت نامه خود چنین نوشت: "اگر بیش از آنکه کسی بتواند کاملا منویات خویش را در هنر موسیقی بیان کند، مرگ سراغش آید، او چنین مرگی را زودرس و غیر منتظره خواهد خواند." بتیهورن می‌گفت: "می‌خواهم چنگالهای خود را در گلولی سرنوشت فرو برم و به او بگویم که قادر نیست پشت مرا بخاک اندازد." از طریق مبارزه - پیش بسوی پیروزی! - شکاری که بتیهورن داده بود او را در زندگی به آزمایش سخت و دشوار کشاند ولی او از این آزمایش سر بلند بیرون آمد، مبارزه کرد و پیروز شد. او پیروز شد برای اینکه مبارزه نمود.

او شعار خود را بطرز حیرت انگیزی در سفونی پنجم بیان کرده است. در قسمت نخست این سفونی سرنوشت در را می‌گوید: "سپس باز هم تصویر نبردهای سهمگین در اذهان زنده می‌شود و مردم بخاطر رسیدن به زندگی بهتر و روشن تر که آرزوی آن پیوسته در قلوب آنان شعله ور است، نبرد می‌کنند. آنها می‌خواهند که سازنده سرنوشت خویش باشند. پایان شکوهند سفونی، مبین پیروزی مردم در این نبرد سهمگین است و آنها موفق شده‌اند بانی و سازنده سرنوشت خویش شوند!...

بتیهورن در حالیکه بالباس روی کاناپه دراز کشیده است، به نقطه‌ای خیره می‌شود و زیر لب می‌گوید: "مردم سازندگان سرنوشت خویش هستند!" در اطاق کسی نبود، بنظر می‌رسید که دوستانش مدت‌هاست از اطاق خارج شده‌اند. نسیم خنک سحری از پنجره بدرون اطاق می‌وزید. طلوع زودرس ماه مه، آسمان را زین می‌ساخت. بتیهورن از جای برخاست، به پیانو نزدیک شد. با یک انگشت، تم فینال سفونی نهم "میلیونها انسان هدیکه را در آغوش بگیرد!" را بنوازد آورد و آنگاه خنده بلندی سرداد. زیرا اطمینان یافت که سفونی او با موفقیت روبرو خواهد گشت. سالی

ملو از جمعیت با لژ خالی امپراتوری در برابر چشمان وی تجسم یافت. یکبار امپراتور گفته بود که او به توابع احتیاجی ندارد، بلکه اتباع و فادار برای او لازم است.

کری بتیهورن بما کمک کرده تا از مضمون بعضی از مذاکرات که وی با دوستان و آشنایان خود کرده است مطلع شویم. آهنگساز برای گفتگو با دیگران از دفترچه مخصوصی استفاده می‌کرده که در آن هم صحبت‌های او پرش‌ها و نظرات خویش را می‌نوشتند. با مطالعه این دفترچه می‌توان با گفته‌ها و سخنان بتیهورن آشنائی حاصل کرد. در صفحات اول دفتر نوشته شده است: "اینقدر بلند حرف نزنید!" "به تمام صحبت‌های شما گوش می‌دهم!" "... در میان شما جاسوس وجود دارد." پس از مرگ بتیهورن، شخص محتاطی که دفاتر گفت و شنود او را نزد وی بود بیش از نیمی از این دفاتر را از بین برد. زیرا در این دفاتر حملات زیادی به مقامات عالیه شده بود او می‌ترسید که این دفاتر برای او ایجاد گرفتاری کنند. در دوره حیات بتیهورن اگر مقامات عالیه اقدام به توقیف او نکرده و وی را بزدانان نکشاده بودند بدان علت بود که از افکار عمومی وحشت داشتند. زیرا بتیهورن از شهرت و محبوبیت فراوانی برخوردار بود.

امپراتور که بر اتباع خویش حکومت می‌راند، بر بتیهورن سلاطه و اقتداری نداشت. بتیهورن متعلق به همه بشریت بود. لژ خالی تئاتر "کرتل‌تور" مانند دخمه تاریکی بنظر می‌رسید که دورش را طلا گرفته باشند و هیچکس این زحمت را بخود نمی‌داد تا باین دخمه نگاه کند. همه متوجه صحنه

## به سوی چهارمین دیدار...

بقیه از صفحه ۶

پایان سریع کارهای مربوط به این امر دروین شدند...

## حقوق بشر و درگیریهای منطقه‌ای

دو رهبر، به تفصیل و با صراحت مسئله حقوق بشر و نیز مسائل انسانی و جایگاه آن را در گفتگوی شوری - آمریکایی بررسی کردند.

دبیرکل و رئیس جمهور، بحثی فراگیر، روشن و مشخص درباره مسائل منطقه‌ای، از جمله درباره افغانستان، جنگ ایران و عراق، خاور نزدیک، کامبوج، جنوب آفریقا، آمریکای مرکزی و سایر مسائل انجام دادند. دو طرف به اختلافاتی جدی رسیدند، اما

بودند و برای بتیهورن ابراز احساسات می‌کردند. امپراتور حاضر نشد که در سالن مجلل بدیدن بتیهورن بیاید، در عوض آنقدر مردم آشنا و غریبه از پله‌های شیب‌دار و نیمه تاریک خانه بتیهورن بالا و پائین می‌آمدند که اغلب بتیهورن غرولند می‌کرد و می‌گفت که "مراحم کار او هستند." اما باطنا از این رفت و آمد مردم راضی بود. او مردم را دوست داشت و مردم نیز او را درک می‌کردند. مردم نمی‌خواستند به سخنان فریبنده‌ای که در پس آنها پوچی و بیهودگی پنهان است گوش بدهند، بلکه می‌خواستند به موزیکی که از قلب بر می‌خیزد گوش فرا دهند. بتیهورن تاحد خشونت رک و راست بود و گاهی نیز منصفانه عمل نمی‌کرد. او آدم خیر و مهربانی نبود ولی خیراندیش نیکخواه بود و این عواطف بتیهورن را آهنگسازان با استعداد معاصر کاملا درک می‌کنند. وقتی بتیهورن مرد، ناکهان طوفان در گرفت. طوفان در ماه مارس، همراه با رگبار برف و غرش رعد و جوش برق و ناکهان حادثه‌ای غیر مترقبه روی داد. آهنگساز که در حال مرگ بود چشمان خود را باز کرد، کمی بلند شد و با مشت گره کرده آسمان را تهدید کرد. او با مرگ لحظه‌ای بیش فاصله نداشت اما مانند همیشه معتقد بود که تسلیم جایز نیست و تنها از راه مبارزه می‌توان به پیروزی رسید. او باز هم فاتح شد. مرگ سراغش نیامد. بلکه جاودانگی از او استقبال کرد. بتیهورن به پیروزیهای خود ادامه می‌دهد. با کلاشت هر سال انسانهای بیشتری در راه ایجاد آتیه روشن و تابناکی که لودویک وان بتیهورن بشریت را بساختن آن تشویق می‌نمود توفیق بیشتری پیدا می‌کنند.

در این امر توافق داشتند که ادامه تبادل نظر منظم میان دو طرف اهمیت دارد. دو رهبر، بر اهمیت فزاینده حل درگیریهای منطقه‌ای برای کاهش تشنجات بین المللی و بهبود روابط شرق و غرب تاکید کردند.

دو طرف توافق کردند که گفتگو میان اتحاد شوروی و آمریکا درباره این مسائل باید در خدمت این قرار گیرد که به طرفهای درگیر در اختلافات منطقه‌ای در جستجوی راه حل‌های مسالمت آمیزی که در خدمت استقلال، آزادی و امنیت باشد، کمک کند. دو رهبر بر اهمیت بهبود امکانات سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین المللی در کمک به حل درگیریهای منطقه‌ای تاکید کردند...

پتیه از صفحه آخر

بلافاصله پس از جنگ جهانی اول، الگوی صرفا کشاورزی یک سرمایه‌داری وابسته دچار بحرانی با عواقب گسترده شد. در دهه ۵۰ تلاشهایی برای صنعتی کردن کشور آغاز شد که در دهه ۶۰ به اوج خود رسید با تأسیس بازار مشترک آمریکای مرکزی، مدل کشاورزی-صنعتی و پایه تعبیر دیگر صنعتی - کشاورزی به آزمایش گذاشته شد. اما بحران ساختاری رفع نشد و در سال ۱۹۶۹ فوران کرد. بارزترین نمود آن، مبارزه جنبش خلق در آن سالها بود. بحران مزبور، زمینه بحران انقلابی را که در سال ۱۹۷۹ آغاز شد، تشکیل می‌دهد. عواقب و رشد آن، پایه مادی موقعیت انقلابی به شمار می‌روند. تا زمانی که بحران ادامه یابد، اعتلای انقلابی دارای مبنای عینی است. به همین ترتیب، جنبش دمکراتیک انقلابی عامل بازدارنده‌ای بر سبک راه حل بورژوازی برای بحران، آنگونه که ایالات متحده می‌خواهد، محسوب می‌شود.

### بحران سیستم

بحران در السالوادور، جزئی از بحران عمومی سرمایه‌داری است، اما ریشه‌ها، خصوصیات ماهوی و عواقب ویژه دارد. نحوه رشد آن و عوامل ایجاد کننده و نیز تلاشها برای حل آن، از جوهر درونی آن نشأت می‌گیرند. اما از آغاز، یک عامل خارجی، نقشی تعیین کننده ایفا کرده و رشد سرمایه‌داری وابسته را به زیر تاثیر خود گرفته است، و آن عبارت است از سیاست دولت ایالات متحده. آمریکایا الیکارشی السالوادور متحد شد و در السالوادور یکی از عقب‌مانده‌ترین و استثمارگرترین مدلهای کشورهای وابسته را به کرسی نشاند. دولت آمریکا به تقویت ارتش طرفدار الیکارشی پرداخت تا از این طریق رژیم سرکوبگر دیکتاتوری نظامی را بر سر قدرت نگه دارد. بدین ترتیب، ایالات متحده از آغاز این قرن عامل ثابت هرچه موثرتری در مسئله ملی و نیز اوضاع منطقه بوده است.

روند دمکراتیک انقلابی در طول دهه ۷۰ رشد شتابانی داشت و با اعتلای نوع نوینی از جنبش توده‌ای همراه بارشد جنبش مسلحانه، از ۱۹۷۵ به بعد بر قدرت، عتق و شتاب خود افزود. این روند به پیدایی **موقعیت انقلابی** انجامید. سازمانهای انقلابی و دمکراتیک موفق شدند جنبش

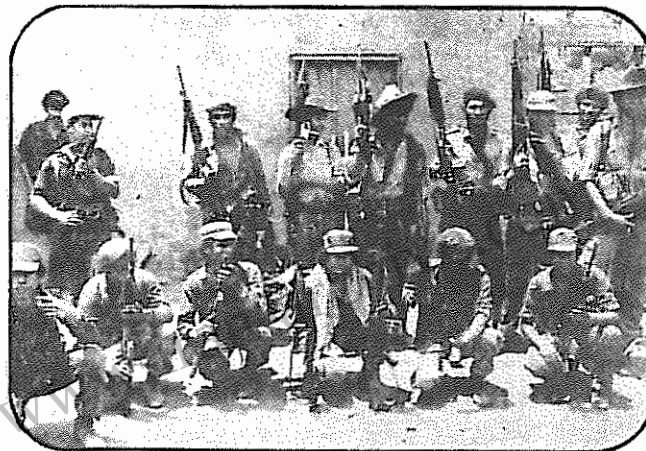
توده‌ای نیرومند، سیاسی و مبارزی در میان مردم ایجاد کنند. در این زمان، استراتژی "به عقب راندن" انقلاب که توسط کارتر ارائه شده بود، دچار بحران گردید. حزب دمکرات آمریکا در داخل این کشور موضع تدافعی گرفت. در سال ۱۹۷۹، کارتر اقدام به دامن زدن آشکار به درگیری نظامی کرد.

در السالوادور می‌کوشند جلوی پیشروی انقلاب را بگیرند؛ در

## السالوادور:

## خصلت و چشم اندازهای انقلاب

مقاله‌ای از ما منامه "السالوادور رپورت"



نیکارگوته، آنکولا، موزامبیک و حتی لهستان می‌کوشند نشان دهند که حتی می‌توان انقلاب را به عقب باز کردند. در این رابطه، السالوادور را به عنوان عرصه‌ای اصلی برای کاربست "استراتژی ضدتورش" و برای به اصطلاح درگیری و جنگ "با شدت کم" برگزیده‌اند. السالوادور برای پنتاگون و سیانویی آزمایشگاه است. بیهوده نیست که یکدندگی دولت ریکان عامل تعیین کننده‌ای در تشدید بحران در السالوادور و کل آمریکای مرکزی به شمار می‌رود. به همان میزانی که مداخله خارجی شدت می‌گیرد، خصلت **دموکراتیک توده‌ای و ضدالیکارشی** انقلاب با **سنت گیری تاریخی** سوسیالیسم دارای وزن و قدرت بیشتری می‌شود. در این مرحله، **عامل دهنی** رشد می‌کند.

### موقعیت انقلابی

در سال ۱۹۷۹، روند انقلابی که از پیش آغاز شده بود، تحکیم یافت. این، چهارمین موقعیت انقلابی در

قرن حاضر است (موارد قبل در ۱۹۲۲، ۱۹۴۴ و ۱۹۶۰ بود). اما تهاجم سراسری جبهه رهایی بخش فارابوندو مارتی (اف. ام. ان. ال) و جبهه انقلابی (اف. د. ا. ر.) نه در نقطه اوج بحران ملی، بلکه در دم ژانویه ۱۹۸۰ آغاز شد، یعنی زمانی که اوج بحران سیاسی سپری شده بود.

این تهاجم اگر چه به کسب قدرت نینجامید، اما مرحله عالی‌تری از رشد انقلاب مسلحانه را

روندی که با شکست‌های بیشتر در جنگ شدت می‌گیرد.

تحت این شرایط، بویایی مبارزه طبقاتی در کلیت آن، راه خود را به سوی ساختار ملی جدید قدرت می‌گشاید. چشم انداز آینده، در اینجاست. اف. ام. ال. ان. اف. د. ا. ر. تنها برای حق تعیین سرنوشت مردم السالوادور و جلوگیری از مداخله خارجی مبارزه نمی‌کند، بلکه با همان جدیت و تاکتیک، شرایط نظامی و سیاسی سرکوب مداخل احتمالی در السالوادور را ایجاد می‌نماید. همانگونه که فرمانده چه گوارا پیش بینی کرد، یک ملت مورد حمله و مداخله قرار گرفته ناچار است نه تنها در محاصره دشمن از خود دفاع کند، بلکه دست به ضدحمله نیز بزند. شعار بر حق و ضروری این است: دو - و ویتنام ایجاد کنیم.

بدون تردید بحران السالوادور، بخش جدایی‌ناپذیری از بحران آمریکای مرکزی است و در این بحران، یک نقطه حساس را تشکیل می‌دهد. قطعا مبارزه اجتماعی در السالوادور به عوامل منطقه‌ای بستگی دارد، اما این مبارزه علل ویژه و جایگاه سیاسی و تاریخی خاصی برخوردار است. در عین حال این مبارزه سرمستی برای منطقه، و عاملی است که در صورت حل واقعی مسائل آمریکای مرکزی باید به حساب آورده شود.

اف. ام. ال. ان. از آغاز تأسیس خود، مشی و پیرائیک خود را بر این نهاده است که ساختمان سوسیالیسم، راه حل عادلانه و نهایی بحران ساختاری است.

این، مبنای الگوی فکری سیاسی - ایدئولوژیک و برنامه تاریخی با به عبارتی برنامه حد اکثر ماست.

در رابطه با مسئله کسب قدرت، ما از مبنایی عملی (برنامه حداقل) برای دوره گذار تحت رهبری یک دولت دمکراتیک انقلابی حرکت می‌کنیم.

با توجه به ابعاد و پیچیدگی رویارویی سیاسی در السالوادور و به ویژه سیاست خیره‌رانه ایالات متحده، ائتلاف دمکراتیک انقلابی (اف. ام. ال. ان. اف. د. ا. ر.) در جستجوی راههای کاهش لطافات انسانی و اجتماعی جنگ و راه حل عملی سیاسی، یک پیشنهاد سیاسی مشتمل بر ۶ مورد ارائه کرده است که هدف ایجاد یک توافق اجتماعی رادنیال می‌کند.

این پیشنهاد مهر و نشان مشی ما برای حل سیاسی و همه‌جانبه بحران از

آغاز کرد، مرحله گسترش جنگ انقلابی توده‌ای. با ایجاد مناطق تحت کنترل و عوامل جدید نظامی، ارضی، سیاسی و دیپلماتیک قدرت و نیز ایجاد عوامل جدید قدرت در میان مردم، ساختار کشور دستخوش تغییر شد.

این امر بسیار قابل توجه است که همه دولتهای پیپایی طی شش سال گذشته در اجرای یک نسخه جدی و عملی رفرمیستی ناموفق مانده‌اند. سیستم در السالوادور با سخت‌ترین بحران تاریخ خود روبرو است که ابعاد آن حتی از موقعیت انقلابی ۱۹۲۲ نیز بزرگتر است.

اوضاع اقتصادی آنچنان وخیم است که دیگر تحت شرایط موجود بهبود نخواهد یافت. پایه‌های جامعه به لرزه افتاده است؛ نظام حقوقی دچار بحران است؛ دولت دیکتاتوری قدیمی و تضعیف شده، تغییر شکل یافته و به نهادی برای جنگ ضدقیام تبدیل شده است؛ نیروهای مسلح دیگر اوضاع را تحت کنترل ندارند و دچار روند از هم پاشی فیزیکی و معنوی هستند،

طریق مذاکرات را دارد. شش مورد عبارتند از:

- ۱- راه حلی توسط خود السالوادوری‌ها.
- ۲- گسترش و پیلورالیسم در دولت.
- ۳- توافق در مورد آتش بس همراه با تغییر دولت.
- ۴- ایجاد نظام عادلانه اقتصادی.
- ۵- دموکراسی و احترام به حقوق بشر.
- ۶- سیاست خارجی صلح جویانه.

## انقلاب و دموکراسی

### مسئله عملی انقلاب

رابطه میان دموکراسی و انقلاب میان مبارزه با امپریالیسم و انقلاب، و نیز رابطه میان جنگ و صلح، مسائل تئوریک و سیاسی‌ای هستند که از دیرباز مطرح بوده‌اند و برای انقلاب السالوادور، مسائل بسیار مشخص محسوب می‌شوند.

در السالوادور، مبارزه در راه آزادی‌های دموکراتیک، هدف روزمره مردم و نیروی محرکه تعیین کننده‌ای برای روند انقلابی است. اما در مراحل رشد انقلاب و روند انقلابی، پرچم دموکراسی همواره از سوی بورژوازی و دولت آمریکا برافراشته شده است، آن هم به عنوان جایگزین و نه جز' اصلی اهداف انقلابی. هدف این است که انقلاب به راه رفیمس کشانده شود. این مسئله نه صرفاً در سطح بحث تئوریک، بلکه در مبارزه سیاسی مطرح است.

هم وفاداری انقلابیون به امر انقلاب و هم توانایی آنها برای به خدمت گرفتن عامل مشخص اجتماعی در راه کسب مواضع، به آزمایش گذاشته می‌شود.

در رابطه میان انقلاب و دموکراسی، وحدت این دو هدف مبارزه، عامل تعیین کننده است. این هم در السالوادور و هم در کل آمریکای لاتین صادق است. امر دموکراسی، در این وحدت به بیشترین حد از زنده بودن و پویایی می‌رسد. دموکراسی انگیزه و رانندگی در مبارزه است و با اهداف دراز مدت انقلاب گره می‌خورد.

اما یک سیاست نادرست و رهبری بد، می‌تواند دموکراسی و انقلاب را در برابر هم قرار دهد، یعنی هدف کوشش‌های دیرین دولت آمریکا را تحقق بخشد. دموکراسی توده‌ای همراه با استقلال (حاکمیت ملی) در السالوادور یک هدف انقلابی است، و دستیابی بدان به راه انقلاب مسلحانه گره خورده است. درک بورژوازی از دموکراسی به نحو مطلوب آمریکا، دارای خصیلتی

دیگرگون و متضاد است و در چارچوب طرح‌ها و نقشه‌های "ضدشورش" می‌گنجد.

این امر بطور مشخص بدین معناست که دموکراسی با "جنگ ضد شورش" تلفیق‌ناپذیر است. مبارزه ضد امپریالیستی، بخش اصلی مبارزه انقلابی را تشکیل می‌دهد، زیرا پیش شرط پیشروی انقلاب، احیای حاکمیت ملی و احیای حاکمیت ملی، نخستین شرط برقراری دموکراسی است. در رابطه میان انقلاب و دموکراسی عوامل مختلف اثر می‌گذارند و از جنبه‌های مختلف تحول می‌یابند. در این روند متحول، قواعد ثابت برای روابط متقابل این عوامل نمی‌تواند وجود داشته باشد. در کشور ما، پیلورالیسم یک اصل برنامه‌ای انقلاب است.

### مذاکرات

ائتلاف دموکراتیک انقلابی، مشی پیگیری در مذاکرات را دنبال می‌کند. اف. ام. ال. ان. اف. د. ار، این سیاست را بر مبنای زیر استوار کرده است:

۱- عللی که به جنگ انقلابی توده‌ای انجامیده و آن را بر حق کرده‌اند، امروز نه تنها همچنان وجود دارند، بلکه آشکارتر و عمیق‌تر شده‌اند. روند مذاکرات نمی‌تواند این واقعیت را نادیده گرفته و از دستور خود خارج کند.

۲- موقعیت عینی و انکارناپذیر قدرت دوگانه وجود دارد.

۳- ما نیرویی سیاسی هستیم که در پیشروی و قدرت گرفتن است. ما اطمینان داریم که به پیروزی دست خواهیم یافت. اما راه مذاکره را جستجو می‌کنیم، زیرا می‌خواهیم از تشدید باز هم بیشتر مداخله در کشور جلوگیری کنیم، حاکمیت ملی را دوباره برقرار سازیم و از تحمیل لطمات اجتماعی باز هم بیشتر به خلق خود اجتناب کنیم.

۴- دموکراسی بدون استقلال تحقق یافتنی نیست. برای دستیابی به صلح، باید مداخله آمریکا در کشور ما پایان یابد. روند مذاکره در این وجه اصلی باید به راه حلی بیانجامد.

۵- دولت از این روطرف مذاکره است که یک طرف جنگ است و نه به این دلیل که مشروعیت دارد، انتخاباتی که تاکنون برگزار شده است، بخش لاینفکی از نقشه "ضدشورش" بوده و فاقد هرگونه اعتباری است. انتخابات توسط نیروهای مسلح سرکوبگری کنترل شده است که کاملاً تحت فرمان دولت آمریکا قرار

دارند. از این رو ما قانونیت دولت را به رسمیت نمی‌شناسیم.

۶- در شرایط کنونی، مذاکرات نمی‌تواند از سوی هیچ یک از دو طرف هدف تسلیم و یا خلع سلاح یک جانبه طرف مقابل را دنبال کند. خلع سلاح، آنگونه که در پیشنهاد صلح دولت به گونه‌ای بی‌ربط آمده است، نمی‌تواند شرط مذاکرات باشد.

۷- ما قانون اساسی کشور را به رسمیت نمی‌شناسیم، زیرا شکل‌گیری و روند تاریخی آن رضایت‌آور نیست. در قانون اساسی کوشش می‌شود نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناعادلانه تحکیم و بر نقشه‌های "ضدشورش" آمریکا که ما دست‌اندر کار نقش بر آب کردن آنیم، پرده ساتری کشیده شود. از بطن آزادی‌ای که خلق السالوادور با مبارزه بدان دست خواهد یافت، و از بطن حاکمیت خلق بر سرنوشت خویش، قانون اساسی‌ای ایجاد خواهد شد که مبنایی برای یک جامعه عادلانه و آزاد بوجود خواهد آورد.

۸- صلحی که با مذاکرات به دست آید، باید با تشکیل دولت موقتی با شرکت گسترده نیروها، از جمله اف. ام. ال. ان. اف. د. ار، همراه باشد و حفظ قدرت مسلح آن را تضمین کند. به همانگونه که حفظ نیروهای مسلح دولت کنونی را تضمین می‌کند. این دولت موقت باید مسائل موجود، از جمله وجود دو ارتش را حل کند و شرایطی بوجود آورد که برای مردم، تصمیم‌گیری دموکراتیک و آزاد درباره راه آینده کشور را از طریق انتخابات آزاد و پاکیزه، امکان‌پذیر سازد.

۹- تصمیمات اف. ام. ال. ان. برای "انسانی کردن جنگ" (منظور، پیشنهادهای سال گذشته این جبهه به دولت برای خودداری از حمله به مناطق مسکونی و اقاماتی از این قبیل است - م. ب. بنا را بر این می‌گذارد که جنگ ادامه یابد. "انسانی کردن" واقعی درگیری، تنها به راه حل کلی و عادلانه سیاسی امکان‌پذیر است. این تصور که می‌توان سلاح‌ها را با توافق‌های گام به گام در جهت "انسانی کردن" خاموش کرد، نادرست است.

۱۰- ما پیوسته در این راه مبارزه می‌کنیم که مذاکرات با هدف راه حل کلی و سیاسی، مشخص تر شود. از این رو ما با تلاش دولت دوارته برای سو' استفاده از مذاکرات به عنوان مانوری به سود سیاست ریکان بر علیه خلق السالوادور و به سود تجاوز و فشار بر نیکارگو، مقابله می‌کنیم.

۱۱- تخریب اقتصاد جنگی، یک سلاح

استراتژیک خلق و اف. ام. ال. ان. است. اف. ام. ال. ان. تنها زمانی خودداری از کاربرد این سلاح را به عنوان موضوع مذاکرات می‌پذیرد که متقابلاً دولت و نیروهای مسلح آن نیز از کاربرد سلاح‌های استراتژیک چشم‌پوشی کنند.

۱۲- دولت دوارته بخش بزرگی از مخارج جنگ را به زحمتکشان تحمیل می‌کند و علاوه بر آن، کمک گسترده‌ای از ایالات متحده می‌گیرد. با اینکه جنگ انقلابی بطور عمده متکی به کمک‌های مردم است، اف. ام. ال. ان. این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در مورد آن دسته از زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ که با سرکوب همکاری می‌کنند و مسئول بی‌عدالتی اجتماعی‌اند، مالیات وضع کند. ما در این بحث خواهیم نشست و به شرطی که دولت و نیروهای مسلح آن از استفاده از کمک مالی ریکان چشم‌پوشی کنند، آماده مذاکره در این باره هستیم.

۱۳- با اینکه حمایت ادعایی لجستیک از اف. ام. ال. ان. از خارج از کشور در اکثر موارد واقعیت ندارد و در آن موارد نیز که واقعیت دارد، با کمک خارجی به رژیم قابل مقایسه نیست، ما آماده‌ایم به شرطی که ارتش نیز دیگر سلاح و تجهیزات از ایالات متحده دریافت نکند، برای جلوگیری از این حمایت، کنترل را به‌پذیریم.

۱۴- مذاکرات باید بطور جدی و علنی انجام گیرد و به روی شرکت همه بخشهای خلق باز باشد.

۱۵- مذاکرات برای راه حل سیاسی باید از میانجی‌گری‌ای برخوردار باشد که موضع بی‌طرفانه را حفظ کند و به حقوق برابر طرفین احترام بگذارد. علاوه بر این، گروه کوچکی از شهود که مورد پذیرش طرفین باشند، ضرورت دارد.

حل بحران ملی، کمک به حل بحران منطقه‌ای نیز هست.

اف. ام. ال. ان. از هیچ تلاشی برای دستیابی به توافق ملی فروگذار نمی‌کند و بدین منظور، شرایطش گانه خود را ارائه کرده است. علاوه بر این، ما اخیراً همراه با اف. د. ار برنامه‌ای اساسی مشتعل بر ۱۸ مورد برای کاستن از عواقب اقتصادی و سیاسی جنگ ارائه کرده‌ایم.

تجربه نشان داده است که موجودیت و تقویت اف. ام. ال. ان. - اف. د. ار آن عاملی است که راه حل مسالمت‌آمیز و چشم‌انداز دستیابی به دموکراسی، استقلال و صلح عادلانه و میهنی را امکان‌پذیر می‌کند.

## اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی



۱۲۰ زندانی سیاسی که در جریان موج اخیر اقدامات اعتراضی علیه رژیم آپارتاید توسط پلیس آفریقای جنوبی دستگیر شده‌اند، در زندانی در نزدیکی ژوهانسبورگ دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی، تحت سخت‌ترین شرایط سر می‌برند، به پاهای آنها زنجیر می‌زنند، بسیاری از آنها با حکم دادگاه یا بدون آن به قتل می‌رسند، همه زندانیان در تمام مراحل، از بازجویی گرفته تا اجرای حکم، به شدت شکنجه می‌شوند. بسیاری از زندانیان به سن قانونی نرسیده‌اند. از دو سال پیش که در آفریقای جنوبی حکومت نظامی اعلام شد، بیش از ۱۰ هزار کودک توسط رژیم آپارتاید بازداشت شده‌اند.

## قتل سه فلسطینی توسط صهیونیست‌ها

ارتش اسرائیل علیرغم مصوبات اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بار دیگر دست به سرکوب نشن تقاضات مردم فلسطین در مناطق اشغالی زد. در روز چهارشنبه ۹ دسامبر، یک دانش‌آموز ۱۷ ساله فلسطینی در نوار غزه هدف گلوله صهیونیست‌ها قرار گرفت و کشته شد. همچنین دو فلسطینی دیگر نیز که از بام ساختمانی در غزه تظاهرات را دنبال می‌کردند، توسط سربازان اسرائیلی به قتل رسیدند. ۲۵ تن از مردم در جریان یورش وحشیانه صهیونیست‌ها مجروح شدند.

## اعتصاب عمومی در هائیتی

در روز دوشنبه ۷ دسامبر، اعتصابی سراسری در هائیتی آغاز شد. اتحادیه‌های کارگری و احزاب اپوزیسیون که مبتکر این اعتصاب هستند، خواهان کناره‌گیری ژنرال نامفی و کل شورای نظامی حاکم شده‌اند، زیرا رژیم نامفی انتخابات ۲۹ نوامبر را به تعویق می‌افکند. اپوزیسیون هائیتی اعلام کرده است نیروهای رژیم عدا در جلوگیری از اقدامات تروریستی طرفداران دووالیه دیکتاتور سرنگون شده که به لغو انتخابات انجامید، کوتاهی کردند.

رژیم ژنرال نامفی در صدد است هیات بی‌طرف ناظر بر انتخابات را منحل کند. اما این طرح تاکنون به علت مقاومت پنج سازمان از ۹ سازمانی است که قرار است اعضای هیات جدید را تعیین کنند، ناموفق مانده است. کلیسای کاتولیک و پروتستان، شورای دانشگاه، کمیسیون حقوق بشر و اتحادیه روزنامه‌نگاران با این نقشه ژنرال نامفی مخالفت کرده‌اند.

## حزب کمونیست اتحاد شوروی خواستار آزادی کوتلو و سارگین شد

را آزاد کنند. ۷۲ حزب کمونیست و جنبش‌های بخش‌های نمایندگان آنها به عنوان میهمان در کنفرانس حزب کمونیست فرانسه شرکت کرده بودند، در قطعنامه مشترکی به بازداشت کوتلو و سارگین اعتراض کردند. قطعنامه می‌افزاید: "ما انزجار خود را از رفتار غیرانسانی با رهبران کمونیست ابراز می‌داریم... ما خواهان آزادی آنها و همه زندانیان سیاسی در ترکیه و نیز تضمین حق فعالیت آزاد همه احزاب دمکراتیک، از جمله حزب کمونیست هستیم." کوتلو و سارگین طی نامه‌ای اعتراضی به دادستانی، اعلام کردند که در طول ۱۹ روز بازداشت در مقر مرکزی پلیس و بدون تماس با جهان خارج، با شوک الکتریکی، فشار آب و آویزان کردن شکنجه شده‌اند. کوتلو و سارگین پس از ۱۹ روز بازداشت پلیس، در روز شنبه ۵ دسامبر به زندان مرکزی آنکارا انتقال یافتند. وکلای کوتلو و سارگین خاطرنشان کردند پلیس از این رو دو زندانی را بیش از مدت قانونی در بازداشت خود نگاه داشت تا آثار شکنجه از میان برود.

در شماره چهارشنبه ۹ دسامبر روزنامه شوروی پر اودا، بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد دستگیری حیدر کوتلو و نیهات سارگین به چاپ رسیده است. رهبری حزب کمونیست شوروی در این بیانیه خواستار آزادی کوتلو و سارگین، دبیران کل حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه شده است. این بیانیه می‌افزاید کمونیست‌های شوروی بنابر وظیفه انترناسیونالیستی خویش، همبستگی خود را با مبارزه کمونیست‌ها و سایر نیروهای چپ دمکرات برای حق تبلیغ نظر ایشان در شرایط برقراری موازین دمکراتیک عمومی، اعلام می‌دارند.

روزنامه گونز چاپ ترکیه گزارش داد پلیس در آنکارا و از ۲۷ کمونیست را دستگیر کرده است. طبق این گزارش، این دستگیری در رابطه با محاکمه‌ای انجام گرفت که قرار است در دادگاه امنیتی آنکارا بر علیه کوتلو و سارگین آغاز شود. پلیس همچنین در روز دوشنبه ۷ دسامبر وکیل کوتلو و سارگین را برای مدت کوتاهی بازداشت کرد، اما بدنبال اعتراضات گسترده ناچار شد دو روز بعد آنها

## حرکات گسترده کارگری در آلمان فدرال

در روز پنجشنبه ۱۰ دسامبر، نزدیک به ۱۰۰ هزار کارگر صنایع فولاد و ۱۰۰ هزار معدنچی در آلمان فدرال با شرکت در حرکات گسترده و بی‌سابقه‌ای، نسبت به طرح‌های شرکت‌های بزرگ فولاد، به ویژه کروب، برای اخراج ۴ هزار کارگر فولاد اعتراض کردند. مرکز اعتراضات، منطقه صنعتی "رور" بود که به صحنه تظاهرات عظیم و اقدامات رزم جویانه‌ای مانند بند آوردن جاده‌ها و خیابان‌ها تبدیل شد. عملاً همه شهرهای بزرگ این منطقه صنعتی از حرکت باز ایستادند. کارگران رفت

## آزادی ۲۴۰ زندانی در افغانستان

ارائه داد. در لویه جرگه خاطرنشان شد هم اکنون در ۱۲ استان افغانستان دیگر نیروهای شوروی حضور ندارند. دکتر نجیب رهبر افغانستان در یک مصاحبه مطبوعاتی علاقه کشورش را به تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی با شرکت اتحاد شوروی و ایالات متحده برای بررسی اوضاع پیرامون افغانستان اعلام کرد. وی افزود در صورتی که مداخله خارجی در امور افغانستان پایان باید و تضمین‌های لازم برای عدم تکرار آن ایجاد شود، امکان ارائه برنامه زمانی جدیدی برای فراخواندن نیروهای شوروی وجود دارد.

در روز یکشنبه ۱۵ آذر، مطابق فرمان غفو، ۲۳۹۴ زندانی در افغانستان آزاد شدند. به دنبال تصویب قانون اساسی جدید افغانستان و انتخاب دکتر نجیب دبیرکل حزب دمکراتیک خلق افغانستان به ریاست جمهوری، نجیب اعلام کرده بود در چهارچوب سیاست آشتی ملی ۵ هزار زندانی آزاد خواهند شد.

لویه جرگه، عالی‌ترین مجمع تصمیم‌گیری در جمهوری دمکراتیک افغانستان در رابطه با فراخواندن نیروهای شوروی نیز پیشنهاد‌های جدیدی

## اعتصاب سراسری در آرژانتین

سال ۱۹۸۳، این دهمین اعتصاب سراسری در آرژانتین بود. هدف از اعتصاب، اعتراض به سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت راول آلفونسو رئیس‌جمهور آرژانتین بود. نرخ تورم در آرژانتین ۱۶۵/۸ درصد است. بنابه آمارهای رسمی، کارگران آرژانتینی بطور متوسط ناچار به ۲۰ ساعت اضافه‌کاری در هفته هستند. در حال حاضر در آرژانتین نزدیک به ۲ میلیون بیکار وجود دارد.

آرژانتین در روز سه‌شنبه ۸ دسامبر شاهد اعتصابی سراسری بود که اقتصاد این کشور را متوقف کرد. تقریباً در همه شهرهای بزرگ کشور، کارخانجات، موسسات خدماتی، فروشگاه‌ها و وسایل نقلیه از کار باز ایستادند. دعوت به اعتصاب از سوی کنفدراسیون عمومی کار، اتحادیه سراسری کارگران آرژانتین صورت گرفت بود. از هژتام برکناری حاکمان نظامی آرژانتین در

## السالوادور: خصلت و چشم اندازهای انقلاب

### مقاله ای از ماهنامه "السالوادور رپورت"

ائتلاف انقلابی و دمکراتیک در السالوادور، متشکل از جبهه رهایی بخش فارابوند مارتی و جبهه دمکراتیک انقلابی، با نیرویی فزاینده، به سوی تحقق اهداف استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت جویانه خود پیش می‌رود. این ائتلاف به آنچنان عامل تعیین‌کننده‌ای تبدیل شده است که حتی رژیم آمریکایی دوارته نیز نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و ناچار است به مذاکره با آن تن دهد. در هفته‌های گذشته انقلابیون السالوادور به پیروزی‌های سیاسی مهمی دست یافتند. از جمله رهبران جبهه دمکراتیک انقلابی، کیلمو اونکو و روین زومورا، پس از هفت سال تبعید

به کشور بازگشتند. موفقیت انقلابیون السالوادور در تلفیق مبارزه نظامی و سیاسی، نمونه‌ای برجسته در تجارب جنبش انقلابی است.

ماهنامه "السالوادور رپورت" که از سوی نمایندگی جبهه رهایی بخش ملی فارابوند و مارتی - جبهه دمکراتیک انقلابی (اف. ام. ال. ان. اف. د. ار.) در آلمان فدرال انتشار می‌یابد، در شماره نوامبر ۱۹۸۷ خود مقاله‌ای با عنوان فوق درج کرده است. نظر به اهمیت روندهایی که هم‌اکنون در این کشور آمریکای مرکزی جریان دارد، ترجمه مقاله را از نظر خوانندگان "اکثریت" می‌گذاریم.

\* \* \*

السالوادور از یک بحران ساختاری دائمی، حاد و بازگشت‌ناپذیر رنج می‌برد. بحران ادواری، بر دامنه این بحران

می‌افزاید. آغاز قطعی این بحران ساختاری به دهه ۲۰ باز می‌گردد، زمانی که بقیه در صفحه ۹

## تاکید اتحاد شوروی بر ضرورت اقدام عملی جمهوری اسلامی برای خاتمه جنگ

روز ۱۲ آذر (چهارم دسامبر) غیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو با آندره گرومیکو صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی دیدار کرد. این دیدار به تقاضای نوبری صورت گرفت.

صدر هیات رئیسه اتحاد شوروی در رابطه با جنگ به سفیر جمهوری اسلامی گفت: در جبهه خون مردم ایران و عراق در مقیاس وسیعی ریخته می‌شود. شما به عنوان سفیر جمهوری اسلامی و رهبران ایران به طور کلی، تا کنون اظهارات زیادی درباره تمایل خود به قطع جنگ نموده‌اید، ولی این جنگ ادامه دارد. ایران عملاً کار را به خاتمه دادن به جنگ نمی‌کشاند و لذا مسئله اصلی لاینحل مانده است. ما این موضوع را به رهبری ایران می‌گوییم.

آندره گرومیکو در ادامه سخنان خود افزود: اگر ایران عملاً از جنگ دست می‌کشد و به حل مسایل مورد اختلاف با عراق با وسایل سیاسی می‌پرداخت هیچکس این اقدام را به مثابه شکست ایران تلقی نمی‌کرد. حتی برعکس آن، چنین کاری در جهان، به مثابه نتیجه‌گیری صحیحی ارزیابی می‌شد. اذعان به این امر جز به بدیهیات است و قطع جنگ و موافقت باره حل‌نهی سیاسی برای

حل اختلافات با عراق تصمیمی است معقولانه.

صدر هیات رئیسه اتحاد شوروی در ادامه سخنان خود تاکید کرد که ادامه جنگ موقعیتی بفرنج‌تر از پیش را برای ایران در پی خواهد داشت و هر قدر ایران دیرتر به لزوم قطع جنگ برسد به همان اندازه هم پیامدهای آن ناگوارتر خواهد بود.

گرومیکو ضمن تاکید بر قطع بیدرتک جنگ و خروج ناوگانهای نظامی کشورهای غیر ساحلی خلیج به اقدامات سازمان ملل اشاره کرد و گفت: قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد پایه سیاسی مناسبی برای حل عادلانه مسئله درگیری ایران و عراق می‌باشد و اگر این قطعنامه اجرا شود ممکن است برای تامین اجرای تصمیم‌های شورای امنیت برداشتن گامهای جدیدی مطرح شود و در خود تصمیم شورای امنیت این امر پیش‌بینی شده است.

مشروح گفتگوهای گرومیکو با نوبری روزهای شنبه و دوشنبه هفته گذشته در برنامه نهم روزی بخش فارسی رادیو مسکو بخش شد. در این گزارش با استناد به آمار ارایه شده از سوی منابع غربی اعلام گردید که طی ۷ سال جنگ ایران و عراق یک میلیون و دویست هزار تن کشته شده و خسارات وارده بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار می‌باشد.

## پرونده، بنیاد نبوت، در اختیار ساواک قرار گرفت

کمیته هوایی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۸ آذرماه متن مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی حجت الاسلام میرعمادی دادستان عمومی تهران را بازتاب داد. دادستان عمومی تهران ضمن اعلام نکات تازه‌ای از موارد تخلفات سید علی موسوی قمی مسئول بنیاد نبوت، فاش ساخت: "مسئول بنیاد نبوت به خاطر رسیدگی به جرایمی که در صلاحیت دادگاههای انقلاب است. در اختیار وزارت اطلاعات (ساواک) قرار دارد."

مروری بر تخلفات ۱۲ گانه سید علی موسوی قمی که از اخذ و سوء استفاده‌های مالی و پرداخت رشوه و کارچاق‌کنی تا فساد اخلاقی و فحشا را در برمی‌گیرد، هیچکدام توضیح‌گر علت اصلی ارجاع پرونده به ساواک نمی‌باشند. آنچه که باعث آن شد که پرونده بنیاد نبوت در اختیار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

قرار گیرد و بررسی آن در دادگاههای عمومی صورت نگیرد، همانا "اطلاعات" نامبرده از مسائلی است که افشای این اطلاعات دامن بزرگان رژیم را "لکه‌دار" خواهد ساخت. دادستان عمومی تهران بگونه‌ای شتاب زده پس از اعلام موارد تخلفات مسئول بنیاد، نقش و سهم دیگر شخصیت‌های مملکتی را در این بنیاد تکذیب کرد ولی ناگزیر به اعتراف شد که: "البته تعدادی از افراد (مسئولین مملکتی) بر اساس حیل و نیرنگ‌های وی در بنیاد رفت و آمد کرده و یا برخی به عنوان هیات مدیره معرفی شده‌اند که پس از بر ملا شدن اعمال غیرقانونی وی، بلافاصله کنار کشیده‌اند."

بدین ترتیب مسئله روشن می‌شود و آن اینکه ارسال پرونده بنیاد نبوت به ساواک بی‌گمان با نام همین افرادی بقیه در صفحه ۹

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

| دیگر نقاط | اروپا   | بهای اشتراك                      | نشریه "کار":                     |
|-----------|---------|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱۶ مارک   | ۱۴ مارک | <input type="checkbox"/> شش ماهه | <input type="checkbox"/> يك ساله |
| ۳۰        | ۲۷      |                                  |                                  |

| دیگر نقاط | اروپا   | بهای اشتراك                      | نشریه "اکثریت":                  |
|-----------|---------|----------------------------------|----------------------------------|
| ۳۶ مارک   | ۳۳ مارک | <input type="checkbox"/> سه ماهه | <input type="checkbox"/> شش ماهه |
| ۷۰        | ۶۴      | <input type="checkbox"/> يك ساله | <input type="checkbox"/> يك ساله |
| ۱۳۸       | ۱۲۵     |                                  |                                  |

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

**AKSARIYAT**  
**NO. 187**  
MONDAY, 14 DEC. 87

آدرس: **Address:**  
**RUZBEH**  
**POSTFACH 1810**  
**5100 AACHEN**  
**W. GERMANY**

حساب بانکی:  
**AUSTRIA - WIEN**  
**BAWAG**  
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)  
**NR. 02910701-650**  
**DR. GERTRAUD ARTNER**

با جمع آوری کمک مالی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید